



آزادی در خطر خودسریهای مرتجعین است

سر مقاله

خطر اختناق جدی است

انحصار طلبان هر روز که میگذرد، عرصه را بر برخورد آزادانه اندیشه‌ها و فعالیتهای سیاسی نیروهای ترقیخواه تنگ تر می کنند. هر صدای آزادیخواه - اهانه ای، هر ندای حق طلبانه ای را به اتهام اخلاک‌گری و کفر و... درنطفه خفه می کنند. با استفاده از ناآگاهی و بی خبری کسانی که طی سالیان دراز دیکتاتوری و خفقان از تحصیل و فعالیت های سیاسی محروم بوده اند و از آنچه در ایران و جهان می گذشت کمتر اطلاع پیدا کرده اند، با سوء استفاده از احساسات ملی و دینی توده ها می خواهند راه را بر هر عقیده ترقیخواهانه ای ببندند، از برخورد عقاید و نظرات مخالف که سرچشمه حرکت و خلاقیت انسان است جلوگیری و خشم و نفرتی را که توده ها زیر فشار شدید استعمار و اختناق دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم ذخیره کرده اند، در جهت سرکوب عقاید و اندیشه ها و رشد گرایشهای قشری برتری طلبانه و سلطه جویانه به کار گیرند. در یک کلام می خواهند از خشم انقلابی مردم در جهت حفظ منافع امپریالیسم استفاده کنند.

اگر انحصار طلبان بتوانند با استفاده از ناآگاهی برخی از مردم و سوء استفاده از احساسات ملی و مذهبی آنها گرایشهای انحصار طلبانه و برتری جویانه را رشد دهند، چه بسا در ایجاد نوعی اختناق فاشیستی موفق شوند. به گواه تاریخ فاشیسم، صهیونیسم و هرگونه گرایش نژاد پرستانه باسلطه جویانه بر ناآگاهی و سوء استفاده از احساسات ملی و مذهبی توده ها تکیه دارد.

به صهیونیسم بنگریم:

صهیونیسم در خدمت چه کسانی است؟ همه می دانند که صهیونیسم در خدمت امپریالیسم قرار دارد و حافظ منافع چپا و لگران و زردان جهانخواه است. صهیونیسم چگونه رشد کرده است؟ دقیقاً با استفاده از احساسات مذهبی و قومی توده های یهود. سردمداران صهیونیسم، با خام هائیکه سرپرستی امپریالیسم را بعهده داشتند و دارند، توده های یهود را با کلمات فریبنده و تفسیر و تاول سخنان موسی فریفته و برای زندگی بهتر به از من موعود یعنی سرزمین فلسطین دعوت کرده و می کنند. راستی آیا زندگی توده های یهود که سالهاست زیر لوای صهیونیسم به آلت دست امپریالیسم بدل شده اند، بهتر شده است؟ همه می دانند که توده های یهود هر روز زندگی فلاکت بارتیری هم می زنند، اما سرمایه داران بزرگی که در پناه دین یهود سنگر گرفته اند و صهیونیسم را صرفاً برای حفظ منافع بی حساب خود علم کرده اند و به بهانه دفاع از یهودیت میلیونها یهودی را بر علیه خلقهای منطقه بسیج کرده اند، هر روز بر استثمار و غارت خلقهای منطقه به ویژه خلق فلسطین می افزایند.

طبیعی است که اگر خلقهای محروم خاورمیانه صرف نظر از اختلافات دینی، قومی و عقیدتی خود با هم متحد شوند، اگر مسلمانان، مسیحیان کمونیستها و غیره متحداً با دشمن به مبارزه برخیزند، دمار از روزگار صهیونیسم، امپریالیسم و همه سرمایه داران بزرگ جهانی در خواهند آورد. بنابراین امپریالیسم باید توده های مسلمان، مسیحی، یهودی و کمونیست را به جان هم اندازد تا منافع خود را حفظ کند.

کوشش امپریالیسم و صهیونیسم در انحراف مبارزات ضد امپریالیستی مردم لبنان، دامن زدن به اختلافات دینی و عقیدتی مردم، رشد دست راستیهای افراطی (فالانژها) که سبب تجزیه کشور کوچکی چون لبنان شده است، نمونه بارز دیگری است که باید مایه عبرت ما شود.

بدون تردید بسیاری از نوجوانان تحریک شده مانمی دانند که با حمله به نیروهای سیاسی و بارش و گسترش انحصار طلبی به منافع چه کسانی خدمت می کنند. بسیاری از آنها ساده لوحانه باور دارند که خدمتگذار خلق اند. اما آفوس که به آلت دست امپریالیسم بدل شده اند و اعمالشان بقیه در صفحه ۲

به دنبال حملاتی که از طرف عناصر مرتجع و ناآگاه در نقاط مختلف به دفتر سیاسی سازمان شده بود، روز جمعه ۳۱ فروردین ماه بار - دیگر گروهی از افراد ناآگاه که توسط عده ای عناصر مشکوک تحریک گردیده بودند به دفتر سیاسی سازمان ما در آبادان حمله ور شده و ضمن درهم شکستن وسائل آن از مناعت انقلابی رفقای ما سوء استفاده کرده و آنها را مورد ضرب و جرح قرار داده و دستگیر می کنند. هم اکنون رفقای ما که بدون هیچگونه دلیلی مورد شکنجه قرار گرفته اند، هنوز در زندان به سر می برند و بخاطر اعتراض به این اعمال دست به اعتصاب غذا زده اند. عجیب است که تاکنون مسئولین امر در مقابل این حرکات خود سرانه سکوت اختیار کرده اند.

هم میهنان! اختناق و فشار می رود که دوباره فضای میهن ما را بپوشاند، انحصار طلبان، کوتاه بینان، آنان که ناگاهانسه و خود سرانه به سوء استفاده از احساسات پاک مردم می پردازند، کسانی که با دسیسه چینی و نغی مبارزات انقلابیون راستین می خواهند به زور

برای خود در انقلاب خلق جایی باز کنند، چه خیالی در - می پروراند و حافظ منافع چه کسانی اند؟

اگر استدلال و منطق مزدورانی که به دفتر سیاسی سازمانهای مترقی، در آبادان با دلهواز حمله می کنند، انقلابیون را مورد ضرب و جرح قرار می دهند و این مراکز راناجوانمردانه به آتش می کشند و صندوق آن را به سرقت می برند، این است که بازباشیوه های "آرینا مهری" راه ورسم زندگی مردم را تعیین کنند و مغز کوچکشان نمی تواند تنوع عقاید و خواستهها را که از درون مردم سرچشمه می گیرد ببینند - ما آنها را با این اعمال خسونت آمیز و ضد انقلابی به قضاوت مردم می - گذاریم و اخطار می کنیم که مناعت انقلابی ما قابل سوء استفاده نیست.

هموطنان، همان دستهایی که فجایع جنایت بار کردستان، گنبد و نطقه را به وجود آورد در تمام گوشه و کنار این مرز و بوم به دسیسه مشغول است و اگر هوشیاری انقلابیون راستین نباشد چه بسا بقیه در صفحه ۱۲

حقایقی درباره حوادث گنبد

دشمنان خلق و عوامل ارتجاع و سرسپردگان بنگانه توطئه ای را که همواره در خیال تدارک آن بودند سرانجام در "گنبد" به اجرا درآوردند. آنها ضمن کشتار مردم و ایجاد اغتشاش و برادر کشی و جنگ داخلی، سازمانهای مبارز و انقلابی را مسئول حوادث معرفی کردند و دست به تحریکات وسیعی علیه سازمان چریکهای فدائی خلق زدند.

شکل مغرضانه انعکاس این اخبار در ارگانهای تبلیغاتی نیز به عوامل ارتجاعی کمک کرد تا هرچه بیشتر از احساسات پاک مذهبی جوانان و پاسداری از انقلاب در سراسر کشور استفاده کنند و به نام مقابله با تحریکات کمونیستها آنها را برای جنگ با برادران ترکمن بسیج کنند. اما از آنجا که حقیقت برای همیشه پنهان نمی ماند و سرانجام چهره خود را نشان می دهد، گزارشها و یکسازمانها و انجمنهای مترقی از وقایع گنبد تهییج کردند روشن کرد که محرکین و مسئولین واقعی حوادث گنبد چه کسانی بوده اند و آنها مانمی که علیه سازمان چریکهای فدائی خلق عنوان می شد تا چه حدی اساس بوده است.

با آشکار شدن حقایق، ما مطمئن داریم که این توطئه گستران در آینده دیگر نخواهند توانست به سادگی خلق آگاه و هشیار ما را فریب دهند و مردم ما را علیه سازمانهای انقلابی تحریک کنند. در این جاما بخش هایی از گزارشها و اظهار نظرهای این گروهها و افراد مترقی و شاهدان عینی حوادث را نقل می کنیم:

بقیه در صفحه ۱۱

در موقعیت کنونی ترور اشخاص فقط به سود ضد انقلاب است

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اعتقاد دارد که در شرایط کنونی جامعه ما، ترور های فردی به دشواریها و نابسامانیها می افزاید و خطر هرج و مرج را که متأسفانه مدام از جانب عناصر ضد انقلاب دامن زده می شود افزایش می دهد. در این شرایط ترور افراد فقط می تواند دست دشمنان انقلاب را در اجرای مقاصدشان باز گذارد.

معتقدیم که در اوضاع و احوال کنونی، افراد و گروهها به هیچ وجه نباید به خود اجازه مجازات شخص یا اشخاصیکه به زعم آنها مجرم و گناهکارند، بدهند. بلکه باید در امر بررسی سوابق و دستگیری متهمین و مجرمین که تحت تعقیب اند به دادگستری و دادگاههای انقلاب کمک کنند تا ترور راز جانب هر گروهی و نسبت به هر مقامی محکوم می کنیم.

۱۳۵۸/۲/۴

گفتاری بمناسبت یکصد و نهمین

سالروز تولد لنین

صفحه ۱۰۹۹

نقدی بر یک شورای کارگری

گوییهای مکرر شده و بالاخره هم نتوانسته است از زیر این نحوه تفکر بگریزد، که به مبارزه اقتصادی کارگران در همه حال ارزش بسیار زیادی می دهد و همواره آن را پایه مبارزه سیاسی میدانند. بطوریکه گویا کارگران هرگز نمیتوانند تحت هیچ شرایطی از همان آغاز مبارزه سیاسی را شروع کنند و حکمی صادر می کند که به هیچ وجه منطقی نیست.

بگذارید مسئله را کمی بیشتر باز بقیه در صفحه ۸

گزارشی بدست ما رسیده است از یک رفیق کارگر، بانثری بسیار ساده و دل - نشین. وی پس از بیان مختصری از شرح حال خود، به مسئله اصلی یعنی شورا پرداخته است و نحوه ایجاد آن را در کارخانه "پارس مینو" به رشته تحریر درآورده است. رفیق با آنکه از آگاهی نسبتاً بالایی برخوردار بوده است و به بسیاری از ظرایف و نکات دقیق حرکت آشنابوده است و آنها را منعکس کرده است، اما... از همان آغاز دچار تناقضی -

| صفحه | در این شماره |
|------|---------------------------------|
| ۲ | کارگران سخن می گویند |
| ۲ | برسخت شناختن حقوق خلقها |
| ۳ | ضد انقلاب نمی تواند |
| ۴ | ادبیات کارگری |
| ۵ | نقدی بر یک شورای کارگری |
| ۷ | اخبار شهر و روستا |
| ۷ | اخبار کارگری |
| ۱۰۹ | لنین، بزرگ آموزگار کارگران |
| ۱۰ | اخبار خارجی |
| ۱۲ | درباره حزب طبقه کارگر |
| ۱۲ | تفاوت ارتش ملی با ارتش شاهنشاهی |

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

برسمیت شناختن حقوق خلقهای ایران ضامن وحدت ملی است

تجزیه طلبانه در بین خلقهای تحت ستم بوجود آید. و در این وضعیت است که نیروهای ضد خلقی و امپریالیستها شروع به سوء استفاده کرده و کوشش می کنند از آب گل آلود ماهی بگیرند. شاهد مثال، در این باره، حرکات ملا مصطفی بارزانی در عراق بود که دیدیم چگونه اعمالش به ضرر خلق کرد تمام شد. در این میان وظیفه ای در مقابل نیروهای انقلابی قرار دارد این است که با هر گرایش تجزیه طلبانه مبارزه کرده و ضمن محکوم کردن شوینیسیم دولت حاکم خواستار تساوی حقوق تمام خلقها باشد. در همین رابطه است که می بینیم سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران از بین رفتن هر نوع ستم ملی در ایران را خواستار شده و در برنامه حداقل خود اجرا مفاد زیر را از دولت موقت طلب کرده است: "تأمین و تنه رسمیت شناختن آزادیهای فرهنگی و بومی همه خلقهای ایران. آنها باید آزاد باشند خود شیوه زندگی خصوصی و اجتماعی خود را انتخاب کنند. هرگونه تبعیضی در این زمینه محکوم شود. در ایران آزاد و دمکراتیک مردم باید آزاد باشند با مذهب خود، با زبان خود و با فرهنگ ملی خود زندگی کنند."

آنچه در این برنامه بیان شده است آزادی خلقهای ایران برای انتخاب شیوه زندگی و سرنوشت خود است. خلقهای زحمتکش ما که در جنبش شکوهمند ضد استبدادی و ضد امپریالیستی اخیر هزاران قربانی داده اند بدرستی و از گونی رژیم شاه راه مفهومی نابودی کامل سلطه امپریالیسم و تمام مظاهر ضد دمکراتیک آن دانسته و خواستار آنند که انقلاب تاپیروزی نهایی ادامه یابد. به همین جهت معتقدند که حقوق ملی و دمکراتیک خلقهای ایران باید به رسمیت شناخته شود. آنها باید بتوانند در چهارچوب ایرانی آزاد و دمکراتیک سرنوشت خود مسلط باشند. این امر به مفهوم آنست که رشد اقتصاد ملی خلقها تضمین شود. کارمندان محلی از خود آنها باشد، تکلم بزبان مادری آزاد باشد، نوجوانان بزبان مادری درس بخوانند، طبع اکتب و روزنامه به زبان محلی آزاد باشد، زبان و مذهب آنها به رسمیت شناخته شود، پرسنل شهربانی و ارتش در محل از افراد محلی گرفته شود. خلقها قادر باشند در تقسیم بودجه مملکتی دخالت نمایند و بصرف بودجه اختصاص هر منطقه در اختیار دولت محلی خود مختار باشد، یک مجلس ملی خود مختار و وظیفه دار تدوین قوانین محلی باشد، بدیهی است که از نظر سیاست خارجی به تشکیلات کل ارتش به اعلام جنگ و صلح بقیه در صفحه ۱۱

این خلقها توجه نشده است. مرتجع ترین آنها که اغلب فاقد خصلت ملی بودند و بارزیم حاکم سازش کرده بودند، بر ضد خلق بکار گرفته می شدند در فرماندهی ارتش و حتی در صفوف افسران ندرتا از عناصر این مایته دیده شده است. در مورد ستم فرهنگی باید گفته شود که این ستم به تمام خلقهای غیر فارس اعمال شده است. زبان ملی این خلقها امکان گسترش و فعالیت آزاد ندارد. خواندن و نوشتن بزبان مادری ممنوع است. این امر نتایج بسیار وخیمی به ضرر خلقهای تحت ستم بهار آورده است. این نتایج عبارتند از: بسواد اکثریت وسیعی از اهالی این خلقها، نداشتن کادری متخصص و کمبود افراد تحصیل کرده و در نتیجه محرومیت از استخدام در ادارات دولتی. این عقب ماندگی اجتماعی موجبات روی آوردن اجباری توده های وسیعی از افراد این خلقها به کارهای سخت بدی و ایجاد اردوئی از کارگران غیر ماهر را موجب شده است. در مورد کردها، بلوچ ها و ترکمن ها و عربها ستم مذهبی نیز به این ستمها اضافه می شود. شک نیست که وحدت بین تمام خلقهای ایران خواست هرایرانی شریف و وطن دوستی است، اما بحث بر سر این است که این وحدت پایدار چگونه تأمین می شود؟ بنظر ما حفظ وحدت بین خلقهای ایران با برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت این خلقها میسر است. این را تنها موقعی میتوان انتظار داشت که خلقهای ستکشی ایران در کمال صمیمیت و بدون سوء ظن در کنار سایر هموطنان خود زندگی کنند و احساس کنند هیچگونه ستمی اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی به آنها روا نمی شود.

در مقابل این برخورد علمی و راه حلو واقع بینانه به مسئله، یک دید ناسیونالیستی افراطی (شوینستی) وجود دارد و متأسفانه هنوز هم ما ناظر آن هستیم که می خواهد واقعیت خلقهای ایران را نادیده گرفته و حقوق آنها را پایمال کند. این دید ناسیونالیستی افراطی (شوینستی) که در گذشته در رژیم فاشیستی شاه متبلور بود هرگونه خواست ملی خلقهای ایران را با قدرت زور و سر نیزه موانع و توپ سرکوب می کرد. هم اکنون هم در کمال تعجب چنین تمایلاتی مشاهده می شود و تحمیل جنگ ناخواسته اخیر به مردم سنج و ترکمن صحرا که منجر به شهادت دهها نفر گردید نمونه هائی از این تمایل شوینستی است. تاریخ ایران و جهان ثابت کرده است که این شیوه هانه تنها نتوانسته است تمایلات ملی را خاموش سازد بلکه در مواردی موجب گردیده که تمایلات

کشور ما از خلقهای متعددی تشکیل شده است. کردها، بلوچها، ترکها، عربها، فارسها و سایر گروههای بومی طی قرنهای در گذار هم زندگی کرده اند. در شرایطی که نظام خان خانی در ایران حاکم بود خوانین این خلقها در منطقه خود حاکمیت داشتند. در این زمان رابطه دربار و دستگاه سلطنت با این خلقها به معنی اعمال ستم ملی که در زمان کنونی بعلت استقرار روابط سرمایه داری وابسته عملی می شود، نبود کشور، بعنوان ارتش مرکزی، محدودیت فرهنگ و ضعف آموزشی و فقدان یک دستگاه اداری متمرکز (مقتدر) که همه از خصوصیات جامعه فئودالی بود مانع اعمال ستم ملی بشکل کنونی آن می شد. با پیدایش سرمایه داری و بخصوص از آغاز دوران حکومت ننگین پهلوی و تسلط بیش از پیش امپریالیسم در ایران به تدریج عوامل فشار بر خلقها ایجاد شد و به مرور افزایش یافت. علت این امر در ماهیت رژیم رضاخان نهفته بود که طی خواست سیستم اقتصاد متمرکز سرمایه داری وابسته به امپریالیسم انگلستان را در کنار سیستم فئودالی ایجاد کند. در طول بیش از نیم قرن گذشته بعلت سلطه امپریالیسم و رژیمهای دست نشانده اش، همه مردم ایران استثمار خارجی را متحمل شدند. اما در این میان خلقهای تحت ستم ایران، علاوه بر آن با ستم ملی رانیز به دوش کشیدند. بطور کلی ستم ملی که بر خلقهای تحت ستم ایران اعمال می شود به اشکال مختلف و شامل ستمهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی است. ستم اقتصادی در مورد خلقهای کرد، ترکمن، بلوچ و عرب اعمال می شود. این خلقها در مجموع در عقب ماندگی نسبی اقتصادی و اجتماعی پیوسته می برند. صنعتی در آنها رشد چندانی نکرده (چون بلوچستان و ترکمن صحرا) و مانند کردستان ارزش ضعیفی برخوردار بوده است. سرمایه های محلی عمدتاً متعلق به سرمایه داران وابسته به دولت مرکزی هستند. منابع مهم طبیعی توسط امپریالیستهای غارتگر، عوامل رژیم های سابق دربار و سرمایه داران وابسته مورد استفاده قرار می گیرد و سطح زندگی و درآمد سرانه در میان این خلقها در مجموع به نحو قابل ملاحظه ای پایین است.

در زمینه ستم سیاسی، رژیم حاکم در ۶ سال گذشته یعنی خاندان منفور و وابسته امپریالیسم پهلوی هیچ گونه حقی از نظر اداره امور سیاسی مملکت به خلقهای تحت ستم ایران نداده اند. بیشتر حکام اداری و نظامی محلی از افراد ملیتهای غیر بومی برگزیده می شدند. تاکنون جز برای ظاهر سازی، به رجال اجتماعی و سیاسی

کارگران سخن میگویند... اول ماه مه را به بهانه عروسی های ساختگی برگزار میگردیم

من یک کارگر قدیمی هستم. سالیان دراز، روز اول ماه مه را مخفیانه برگزار کردم. قبلاً نمی گذاشتند این روز را جشن بگیریم. ما موران مخفی وقتی می بردند که بعضی از کارگران می خواهند این روز را جشن بگیرند، می آمدند و آنها را می گرفتند. چند روز در زندان نگه میداشتند، بعد از گذشتن این روز آزادشان می کردند.

ما سالهای خیلی پیش به هر بهانه ای شده، به بهانه عروسی های ساختگی و غیره این روز را جشن می گرفتیم. سالها این روز را باید هر چه می توانیم باشکوه تر برگزار کنیم. یکوری چشم آنهاست که می گذاشتند کارگران همبستگی خودشان را نشان بدهند، یکوری چشم آنهاست که از اتحاد و تشکل کارگران وحشت داشتند.

خواسته همه کارگران جهان یکی است. همه کارگران جهان می خواهند که دنیای بهتری بسازند. همه کارگران جهان می خواهند که زور و ستم از میان برود. من هم می خواهم که در دنیای زندگی کنم که نه ستم هیچوقت گرسنه نباشد، بچه ام درس بخواند، چیز یاد بگیرد تا مشغول من زور نشود. من هم می خواهم برای ساختن دنیای بهتر. و به امید روزی که همه با هم برادر باشیم، روز اول ماه مه را در کنار همه کارگران ایران و جهان جشن بگیریم. شما خوانها یادتان نمی آید. من به یاد دارم اولین سالی که جشن ماه مه را گرفتیم سی و سه سال پیش بود. میدان توپخانه و خیابان فردوسی پر از جمعیت بود. سوزن می انداختی پائین نمی رفت از طرف سازمان بین المللی کارگران دنیا هم نماینده آمده بود. آنروز برای اولین بار در زندگیم و افتخار قدرت کارگر را دیدم.

من کارگر تراشکارم. من احساس می کنم که روز اول ماه مه روزیست که هیچ کاری احساس تنهایی نمی کند. روزیست که قدرت واقعی خود را بهتر می شناسد. می فهمد با اینکه درد بسیار دارد ولی برادران بسیار هم دارد که از پشتیبانی می کنند. برادران دیگرش در سراسر دنیا با او همصدا هستند.

برای ما کارگران روز اول ماه مه خیلی معنی دارد. خیلی سالهاست که اونو می شناسیم. خیلی سالهاست که برای رسمیتش تلاش می کنیم. در چند سال گذشته اغلب یکی از خواستهای کارگران توی اعتصاباتشون، توی تظاهراتشون این بوده که اول ماه مه تو ایران به رسمیت شناخته بشه. خوب یاد هست که کارگران شرکت نفت خیلی رو این مسئله کار کردن. خوب بالاخره هم همین فشارها بود که دولت ناچار شد از چند سال پیش روی کاغذ هم که شده اول ماه مه را برسمیت شناخت.

اول ماه مه که برابر ۱۱ اردیبهشت است روز همبستگی تمام زحمتکشان جهان است. در این روز همه کارگران، از هر رنگ و نژادی، از هر ملتی، در پنج قاره جهان، بخاطر اینکه در دهمدیگر می فهمند، بخاطر اینکه همه کارگر هستند، همبستگی خودشان را با برگزاری جشنها، راهپیمائی ها و تظاهرات نشان می دهند.

خطر اختناق...

درست در جهت دشمنی با آرمانها و نیازهای خلق است.

اگر مردم مبارز ماهشیری خود را حفظ کنند، اگر مظهر عات مادر برابر تهدیدهای عوامل اختناق سنگرهای خود را نگهدارند و پشت دروغبرداران و توطئه گران را باز کنند، اگر روحانیت مترقی راه را بر عناصر مرتجع و دست راستی ببندد، اگر آزادیخواهان به حمایت از دموکراسی و آزادی واقعی انسان برخیزند و در برابر تهدیدات و تمهیدات قشربانان و مصلحت طلبان مرعوب نشوند، اگر نیروهای ترقیخواه لزوم همکاری و همبستگی هر چه بیشتر خود را در برابر یورش لگام گسیخته دیکتاتور و اختناق پذیرند، اگر هر یک از ما افشای توطئه های امپریالیسم و روشن ساختن اذهان هم میهنان را به عنوان وظیفه مبرم خویش تلقی کنیم و این وظیفه را در هر فرصت ممکن با شکیبائی تمام انجام دهیم، بعید است که اختناق بتواند همه دستاوردهای انقلاب را از میان بردارد و دوباره بر فضای ایران زمین حکمفرما شود.

هموطنان مبارز
پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را بآدرس
زیر ارسال نمائید:
تهران - خیابان بلوار - خیابان فدائی (میکده سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
تلفن: ۶۵۹۰۹۹۹

ضد انقلاب نمی تواند کارگران را از مبارزه و تشکل بازدارد

موج بیکاری سراسر ایران رافرا گرفته است. کارگران بیکار آبادان نیز همانند کارگران بیکار سایر شهرها که یک عمر تحت ستم و استثمار سرمایه داران قرار داشته اند، بدنیاال مبارزات اخیر خلق ما وفرا تعدادی از سرمایه داران وابسته وخارجی ونیز تعطیل شدن پاره ای از کارخانه ها وموسسات دیگر بیکار شدند. این موج بیکاری مدام افزایش یافت. پس از آنکه مدتی از سرنگونی رژیم شاه خائن گذشت وهیچگونه اقدام جدی توسط دولت جدید در جهت حل مشکلات کارگران از جمله بیکاری صورت نگرفت، کارگران بیکار که زندگی خود وخانواده شان را در معرض تهدید و نابودی می دیدند مبارزات واعتراضات گسترده ای را آغاز کردند. مبارزات پیگیر کارگران پروژهای (پیمانی) ونفصلی در آبادان وتشکیل سندیکای واقعی علیه غم کارشکنی ها، شایعه بر نازیبها واخلالگریهای سرمایه داران وابسته وعناصر ضد کارگری وعده ناآگاه فریب خورده، جلوه ای دیگر از این مبارزات وبیانگر رشد فکری کارگران وبیگیری وقاطعیت آنها در جهت تشکل است. آنها برای رسیدن به حقوق خود بعنوان اولین گام مبارزت به تشکیل سندیکای مشترک کارگران پیمانی ونفصلی کردند. در آغاز هفت نفر به عنوان شورای موسس انتخاب شدند. کارگران موقتا محلی را برای ثبت نام در نظر گرفتند وعلیرغم اقدامات نفاق افکنانه ونشد کارگری عده ای از عناصر مرتجع واز جمله پاره کردن اوراق ثبت نام و دستگیری چند نفر از کارگران، به فعالیت خود ادامه دادند و سرانجام توانستند محل سندیکای سابق شرکت نفت را بعنوان محل سندیکای خود در اختیار گیرند. سپس اساسنامه سندیکادر ۲۵ ماده تنظیم شد. اساسنامه علیرغم نقاط ضعفی که بیشتر جنبه اجرائی

دارند نکات اصلی یک اساسنامه کارگری را در اینست. در ماده ۴ این اساسنامه هدف وظایف سندیکا به شرح زیر توضیح داده شده است:
الف - تامین کار وبهبود وضع اقتصادی واجتماعی کارگران عضو.
ب - تلاش در راه ایجاد اتحادیه کارگران پروژهای وفدراسیون کارگران ایران.
ج - بالا بردن سطح دانش وآگاهی حرفه ای واجتماعی کارگران عضواز طریق انتشار خبرنامه ونشریات کارگری، نمایش فیلم، سخنرانی، ایجاد کتابخانه وباشگاههای فرهنگی وورزشی وگردشهای دسته جمعی علمی.
د - ایجاد تشکیلات وسازمانهای جنسی که بمنظور رسیدن به هدفهای بند الف ضروری تشخیص داده می شود. از قبیل ایجاد صندوقهای اعتصاب، کمک وتعاونی کارگران.
سندیکای کارگران پروژهای (پیمانی) طی یک اعلامیه جداگانه اهداف اقتصاددی واجتماعی خود را بطور مفصل در ۲۵ مورد اعلام ومنتشر کرد. در این اعلامیه به مهمترین خواسته های صنفی کارگران پروژهای در شرایط کنونی که خواسته تقریبا تمامی کارگران است اشاره شده است.
به سه نفر از نمایندگان کارگران ماموریت داده شد که برای طرح خواسته های شان با اداره کار تماس بگیرند. اما مسئولین اداره کار به آنها جواب سربالا دادند و به این بهانه که "سندیکای شما قلابی است" به خواست های آنها رسیدگی نکردند.
کارگران از این شیوه برخورددارد کار که سندیکای واقعی کارگران را که به دست خودشان تشکیل شده بود و چهارده هزار عضو داشت غیرواقعی می خواند

بشدت عصبانی شدند و به این امر اعتراض کردند.
در این ضمن اقدامات تحریک آمیز دیگری نیز بر علیه کارگران آغاز شد. از جمله عده ای از مامورین کمیته به سندیکارفته وشروع به تبلیغ علیه سندیکاکردند. اما کارگران با برخورد های درست خود تحریکات عناصر مذکور را خنثی کردند. مقارن با این وقایع سندیکا به منظور دفاع از حقوق اعضای زحمتکش خود اعلامیه ای انتشار داد که در آن ضمن هشدار به کارفرمایان ومقا طعه کاران گفته شده بود:
"ما کارگران پروژهای آبادان که سالها زیر ستم، استثمار و غارتگریهای کارفرمایان داخلی وخارجی بوده ایم قاطعانه اعلام می کنیم:
۱- کارفرمایان ومقاطع کاران را ساق حق استخدام هیچ کارگری رادر آینده ندارند.
۲- منبع استخدام کارگران در حرفه های گوناگون پروژهای ای می بایست از طریق سندیکا انجام گیرد.
کارگران با این هشدار خود نشان دادند که با درس گرفتن از گذشته که کارفرمایان حقوق کارگران را بکل می پانال می کردند، این بار تصمیم گرفته اند بطور متشکل وجمعی برخورد کنند.
طبیعی است که اقدامات قاطعانه کارگران نمی توانست از جانب سرمایه داران وعوامل امیرالیسیم بی جواب گذاشته شود. بنابراین آنها کوشش کردند که بطرق مختلف از جمله اعمال نفوذ در کمیته ها در برابر این سندیکا ایستادگی کنند، تاجایی که کمیته عملا خود را در برابر سندیکا قرارداد. روز سه شنبه هیجدهم فروردین در سراسر شهر اعلامیه ای از طرف مرجع نوظهوری به نام "اتحادیه کارگران" و "کانون

تحصیل کرده ها" پخش شد که کارگران را دعوت به گرفتن وام بیکاری در مسجد بهبهانیها کرد وهمزمان با آن هیعتی از اداره کار استان خوزستان به مسجد آمدند. کارگران به منظور اجتناب از درگیری وبروز مسائل ناخواسته با فرماندار تماس گرفتند. اما در حالی که مذاکرات با فرماندار واداستان ادامه داشت، عده ای افراد تحریک شده در جلو فرمانداری ازدحام کردند و سپس به کارگری که مشغول مذاکره با فرماندار بود حمله ور شدند و او را زخمی کردند و در حضور دادستان وفرماندار آبادان یک نفر از کارگران را با چاقو مجروح کردند و دست و دندان دو کارگر را شکستند بلا فاصله افرادی از کمیته اسلامی آمدند وعلیمحمدی وزغالی نامی که از مسئولین کمیته بودند شروع به تهدید عده ای از کارگران کردند که تمام این وقایع از طرف کارگران صورت مجلس شده وبه امضاء فرماندار واداستان نیز رسیده است. این وقایع نشان می دهد که عناصر مرتجع ضد کارگری، امیرالیستها وسرمایه داران وابسته به آنها می کوشند از طریق نفوذ در کمیته ها به مقابله با کارگران برخیزند. کارگران در برابر این اقدامات خود سرانه ووحشیانه دست به تحصن زدند و پس از یک هفته تحصن ومحکوم کردن اعمال ضد کارگری در یک نامه سرگشاده خطاب به زحمتکشان ایران درخواستهای خود را بدین شرح اعلام کردند:
۱- مجازات عاملین توطئه از پیش طرح شده در فرمانداری به تحریک وسرکردگی علی محمدی وزغالی.
۲- تکذیب خبر اعلام شده از رادیو نفت ملی مبنی بر ضد انقلاب بودن کارگران پروژهای و اعاده حیثیت از طریق رادیو وتلوویزیون.

۳- به رسمیت شناختن سندیکای واقعی کارگران پروژهای از طرف وزارت کار وامور اجتماعی.
۴- انحلال اتحادیه قلابی به اسم مجعول ومن درآوردی اتحادیه کارگران وتحصیل کرده هادر مسجد بهبهانیها.
۵- پرداخت فوری حقوق بیکاری نه وام بیکاری - تامین کار برای کارگران اخراجی وبیکارعضو از طریق سندیکای کارگران پروژهای.
۶- کارفرمایان حق استخدام هیچ کارگری راندارند مگر از طریق سندیکای کارگران پروژهای.
طرح خواسته های برحق کارگران اقدام متشکل آنها برای تحقق خواسته های شان نشان می دهد که کارگران اکنون بی برده اند که قدرت واقعی در اتحاد وتشکل نهفته است. کارگران بدون اتحاد وتشکل نمی توانند به حقوق خود دست یابند و این امر هزاران بار به تجربه ثابت شده است. اتحاد کارگران وشکل آنها در سندیکاهای مبارزه در راه دست یابی به حقوق صنفی شان اولین تجلی اراده واحد کارگران در برابر کارفرماست. اما مبارزه طبقه کارگر نمی تواند به همین خاتمه شود. کارگران برای رسیدن به هدف اساسی خود یعنی واژگونی نظام سرمایه داری و برانداختن استثمار انسان از انسان برای رهائی از زندگی پرمشقت وبرده وار که ارمغان جامعه سرمایه داری برای کارگران است باید در حزب سیاسی خود یعنی حزب طراز نوین طبقه کارگر متشکل شوند. باشد که وحدت همه زحمتکشان و پیشاپیش آنها طبقه کارگر بنیان تسلط امیرالیسیم وارتجاع داخلی راریشه کن سازد وجامعه نوینی را بنا نهند.

مبارزه کارگران قالی باف علیه قدری صاحب کارگاه

تربیز مبارزات دویست کارگر قالیباف کارخانه قالیبافی حاجی حمید کیمیا که ماهاست بیکار شده اند همچنان ادامه دارد. صاحب این کارخانه که از ثروتمندان ومنتفدین تربیز است وچند کارخانه حوله بافی دارد به بهانه نداشتن پول، کارخانه را تعطیل کرده است. وی که رئیس کمیته مستقر در خیابان صاحب است از نفوذ خود برای مقابله با کارگران استفاده می کند. کارگران در اسفند سال گذشته در کارخانه متحصن می شوند وبه آنها قبول داده شد که از اوایل فروردین کارخانه شروع به کار خواهد کرد. با اینکه یکی از نمایندگان کارگران به قم رفته ودستوری برای باز کردن کارخانه آورده است ولی صاحب کارخانه حاضر به گشودن کارگاه نیست. حاجی کیمیا به صراحت می گوید:

انتخابات سندیکای رانندگان و کمک رانندگان گنبد برگزار شد

جلسه هیات نمایندگان یک نفره عنوان دبیر سندیکا ورباط باشوراهای کارگری انتخاب شد وسندیکا همکاری خود را با شوراهای سندیکاهای سراسر کشور اعلام کرد. قسمتی از وظایف عمومی سندیکای رانندگان و کمک رانندگان گنبد که در قطعنامه ای منتشر شده عبارتست از:
۱- کوشش در راه لغو قوانین ضد کارگری وضد انسانی.
۲- جلوگیری از اخراج رانندگان و حمایت از آنها در مواقع بیکاری وبیماری.
۳- تقلیل حق بیمه ودربافت خسارت بیمه بدون سرگردانی ومزاحمت برای رانندگان.
۴- سازماندهی وشرکت دادن رانندگان و کمک رانندگان در جشنهای کارگری، دهقانی ومذهبی.

چهارمین هفته تحصن کارگران میتوساک

تهران - کارگران کارخانه میتوساک که از ۱۶ فروردین در محل کارخانه متحصن شده اند برای رسیدن به خواسته های برحق خود همچنان به مبارزه ادامه می دهند. کارفرما تاکنون به خواسته های کارگران که بطور دسته جمعی اخراج شده اند توجه نکرده و برای چندین از آنها پرونده سازی کرده است. کارگران اعلام داشته اند نارسیدن به خواسته های خود که بازگشت به کاروبرخورداری از حقوق وحلگیری از اقدامات ضدانقلابی کارفرماست به تحصن ادامه می دهند. لازم به یاد آوری است که کارخانه میتوساک که شن وماسه تولید می کند از درآمد بسیار خوبی برخوردار است ولی کارفرما که قصد استثمار بیشتر ومقابله باخواستهای کارگران را دارد حاضر به پذیرش کارگران اخراجی نیست.

کلیه بدهی ها وتعهدات مالی کارگران، دهقانان وزحمتکشان به بانکها ومؤسسات دولتی باید لغوشود

آیا همه رئالیست‌های انتقادی درباره سرمایه‌داری نظر واحدی داشتند؟

هیچوقت در طول تاریخ بشر هنرمندان و متفکران به اندازه دوران سرمایه‌داری از شرایط جامعه انتقاد نکرده‌اند. مثلا دوران فئودالیسم را در ایران در نظر بگیرید. تقریباً تمام شاعران وابسته به دربار شاهان و میسران بودند و در مدح آنها شعر می‌گفتند و همینطور بیشتر تاریخ‌نویس‌ها و نویسندگان از طبقه حاکمه و از وضع موجود دفاع می‌کردند. در دوران برده‌داری هم همینطور بود. مثلا در یونان کسانی مانند سقراط و افلاطون و ارسطو، از ارتجاعی‌ترین شکل برده‌داری یعنی از حکومت اشراف برده‌دار حمایت می‌کردند. برده‌داری انسان به حساب نمی‌آمد و ارسطو می‌گفت: "برده کالمترین ابزار است".

اما در دوران سرمایه‌داری خیلی انگشت شمارند هنرمندان بزرگی که بخواهند مثل "نیچه" فیلسوف و شاعر آلمانی (یعنی همان کسی که بعداً فاشیست‌ها و نازی‌ها از افکارش استفاده کردند) سرمایه‌داری را بطور کامل تأیید کنند و از آن حمایت کنند. "نیچه" حتی سرمایه‌داران را نصیحت می‌کرد و می‌گفت: "چرا شما به کارگر حق تشکیل اتحادیه و حق رای دادن می‌دهید؟ اگر شما می‌خواهید کارگر برده شما باشد دیگر نباید او را مثل یک استاد آموزش بدهید و نباید اجازه فکر کردن به او بدهید."

قبلاً گفتیم که از زمان استقرار سرمایه‌داری، بتدریج ماهیت واقعی آن هم آشکار شد. بورژوازی فقط برای آن روی "آزادی فردی" تکیه می‌کرد که بتواند آزادانه کارگران را استثمار کند. در چنین جامعه‌ای هر کس فقط به فکر منافع شخصی خودش است. قبلاً هم تصور می‌شد که این موضوع اشکالی ایجاد نخواهد کرد ولی بعد کم کم معلوم شد که منافع افراد مختلف با هم تضاد دارد. اگر هر کس بخواهد فقط به فکر خودش باشد مجبور می‌شود ره‌در روی بقیه قرار بگیرد و بالاخره برای حفظ منافع خودش به هزار جور پستی و حیله و تزویر و فساد تن دردهد. آدم‌ها اجباراً در چنین جامعه‌ای سنگدل، بی‌عاطفه و نسبت به سرنوشت یکدیگر بی‌تفاوت می‌شوند. اینها از جمله مسائلی بود که با روی کار آمدن جامعه سرمایه‌داری به تدریج برای همه روشن شد و سبب شد که تقریباً همه هنرمندان بزرگ در برابر آن - عکس العمل نشان بدهند و از آن انتقاد کنند.

بعضی از این عکس‌العملها، چنانکه قبلاً اشاره کردیم، غیررئالیستی و ارتجاعی بود یعنی هنرمند بکلی از جامعه سرخورده و دل‌سزد شد و به واقعیت پشت کرد. اما هنرمندان رئالیست هم که به واقعیت وفادار ماندند و به تحلیل جامعه پرداختند، همه عکس العمل واحدی از خود نشان ندادند. همه آنها بورژوازی و جامعه جدید انتقاد می‌کردند ولی هر کدام از دیدگاه خاص خودشان.

این هنرمندان رئالیست انتقادی را، که بعداً آشکار شدن تضادها و معایب و فساد جامعه سرمایه‌داری پیداشد و به انتقاد از آن پرداختند می‌توان به سه گروه عمده تقسیم کرد که در عین حال تکامل رئالیست انتقادی را نیز تاحدی نشان می‌دهد:

گروه اول، در همان اوایل استقرار جامعه سرمایه‌داری، فکری کردند که جامعه سرمایه‌داری بخاطر نقص‌هایی که دارد و روابط غیرانسانی که در آن هست باید عوض شود و دوباره همان جامعه فئودالی بیاید. یعنی آنها هنوز از اشراف زمیندار حمایت می‌کردند و می‌خواستند اشراف دوباره به قدرت برسند. آنها در آثارشان جامعه سابق و دنیای فئودالی و زندگی پاک و بی‌آلایش در روستا و روابط انسانی آن دوران را نشان می‌دادند و خواهان بازگشت به آن شکل از زندگی بودند. (طبیعی است کسانی از روستاهای دوران فئودالیسم خاطرات خوشی دارند که خودشان در بیابان در آفتاب داغ و سرمای سوزان بیل زده باشند و کار نکرده باشند). البته چون این هنرمندان رئالیست بودند و واقعیت جامعه را تحلیل می‌کردند، اغلباً باز آثار خودشان می‌شد استنباط کرد که این بازگشت دیگر عطفی نیست.

در ادبیات جدید ایران هم در کسانی مانند جلال‌آل احمد چنین گرایش‌هایی دیده می‌شود. البته جلال‌آل احمد صریحاً از فئودال‌ها و اشراف حمایت نمی‌کرد، اما چون صنعت و تکنولوژی را یک چیز غربی و سر-چشمه همه معایب و مفاسد می‌دانست و تحت عنوان "غربزدگی" با آن مخالفت و مبارزه می‌کرد، در نتیجه حاصل کارش می‌توانست تقویت بقایای فئودالیسم باشد (این مخالفت با صنعت و تکنولوژی سابقه طولانی دارد و ابتدا در غرب شروع شد. در کشورهای غربی هم عده‌ای همه معایب جامعه را بخاطر پیشرفت تکنولوژی می‌دانستند و در نتیجه شروع به مبارزه با "ماشین‌باز" کردند. ولی ما می‌دانیم که صنعت و ماشین‌باز خود عیبی ندارد و اشکال در جامعه سرمایه‌داری است. در جامعه سرمایه‌داری - وقتی صنعت و ماشین پیشرفت می‌کند و تولید آسانتر و سریع‌تر می‌شود، به جای آنکه ساعات کار کارگران را کم کنند، کارگران اضافی را بیرون می‌کنند و مشکلات جدیدی به وجود می‌آورند). البته با این اشاره کوتاه نمی‌توان آثار جلال‌آل احمد را تحلیل کرد و جنبه‌های مثبت و منفی آنها را نشان

داد. در ضمن، مایه‌شما توصیه می‌کنیم که مقالات رفیق امیر پرویز بویان (همشهری) را که به نام "بازگشت به ناکجا آباد" چاپ شده و درست در همین رابطه نوشته شده، مطالعه کنید.

اما گروه دوم، کسانی بودند که سرمایه‌داری را، بخصوص از زمانی که بر فئودالیسم غلبه کرد و کاملاً مستقر شد، بعنوان یک واقعیت پذیرفته بودند. آنها می‌دانستند که بازگشت به فئودالیسم دیگر معنا ندارد و فقط می‌خواستند جامعه سرمایه‌داری را اصلاح کنند و معایب و نقایص آن را برطرف کنند. البته هر کدام از آنها راه حل خاصی را برای اصلاح جامعه پیشنهاد می‌کردند. یک نفر معتقد بود که همه این معایب و مفاسد، نتیجه "آزادی فردی" و هرج و مرج و خودسری‌های ناشی از آن است، و بنابراین باید یک دیکتاتوری بوجود بیاید که آزادی‌های فردی را منهار بزند و محدود کند. یک نفر می‌گفت این کار را کلیسا باید بکند و کلیسا باید مردم را رهبری و هدایت کند. دیگری می‌گفت باید از نیروی احساسات اخلاقی مردم استفاده کرد و با ارشاد مردم آنها را از فساد اخلاق بورژوازی دور نگاهداشت. اما هیچکدام از آنها نمی‌توانستند راه درست را نشان بدهند چون نمی‌دانستند که سرچشمه اصلی تمام این فساد مالکیت خصوصی است.

در ادبیات ایران، بدلیل آنکه گرایش‌های مختلفی در هر مرحله از کار یک هنرمند دیده می‌شود، انگشت گذاشتن روی یک فرد خاص به عنوان نمونه این گروه مشکل است. مثلاً صادق هدایت، در بعضی آثار خود کاملاً از رئالیسم فاصله می‌گیرد و دور می‌شود و آثار رئالیستی خودش هم گاهی مضمون و محتوای رئالیسم اولیه را با کار می‌گیرد و با سنت‌های قدیمی و خرافات مبارزه می‌کند (همان کاری که جمال‌زاده هم می‌کرد) و گاهی به رئالیسم انتقادی متکامل‌تر نزدیک می‌شود. نویسندگانی مانند بهرام صادقی نیز هر یک در بعضی آثار خود به رئالیسم انتقادی نزدیک می‌شوند. سرانجام، گروه سوم، کسانی بودند که با قدرت گرفتن کارگران و اوج گرفتن مبارزات کارگری، به نیروی توده‌هایی بردند و بفکر افتادند که شاید به کمک توده‌های مردم و بخصوص کارگران بتوان فساد جامعه سرمایه‌داری غلبه کرد. ما می‌دانیم که مدت‌ها پیش از شکل گرفتن سوسیالیسم علمی بوسیله مارکس و انگلس، نوعی سوسیالیسم تخیلی وجود داشت. یعنی کسانی بودند که معتقد بودند همه مردم باید با هم برابر باشند، اما نمی‌توانستند راه درستی را برای رسیدن به این جامعه پیشنهاد کنند. البته هنوز جامعه هم آنقدر تکامل پیدا نکرده بود که آنها بتوانند با تحلیل واقعیت جامعه، راه صحیح را کشف کنند. ناواقعی عملاً زمینه پیدایش چیزی وجود نداشته باشد، پیش‌بینی آن هم ممکن نیست. این هنرمندان رئالیست هم در آن دوره به درستی نمی‌دانستند که چگونه می‌توان به آن جامعه ایده‌آل رسید و راه آن چیست و حتی عده‌ای از آنها به سوسیالیسم اعتقاد نداشتند، اما چون رئالیست بودند و به واقعیت‌های جامعه توجه داشتند ناگزیر بودند که مسیر تکامل بعدی جامعه را هم در آن حدی که برای خودشان روشن بود، بطور واقعی توصیف کنند و نشان بدهند.

در اینجا این سؤال ممکن است پیش بیاید که اگر این گروه در مواردی افکار سوسیالیستی هم داشتند بالا اقل این واقعیت را می‌پذیرفتند که جامعه سوسیالیستی می‌تواند راه حلی برای غلبه بر مشکلات و فساد جامعه سرمایه‌داری باشد، پس بین رئالیسم انتقادی و رئالیسم سوسیالیستی چه تفاوتی وجود دارد؟ و اصولاً چه لزومی داشت که رئالیسم انتقادی - سوسیالیسم تبدیل شود؟ (چون ما قبلاً گفته بودیم که رئالیسم سوسیالیستی عالیترین شکل رئالیسم و در واقع تنها شکل ادبیات کارگری است.) مادر شماره بعد این تفاوت‌ها را نشان خواهیم داد.

در هنرمندان، شاعران و نویسندگان ایرانی، از همان زمان انقلاب مشروطیت تا کنون، افراد زیادی را می‌توان دید که هر یک در برخی از آثار خود چنین گرایشی داشته‌اند. میرزا عسقی و فرخی یزدی، نیما یوشیج، فروغ فرخزاد و احمد شاملو، همه در آثار خوب خود چنین بوده‌اند. در نظر هم بهترین نمونه‌هایی که داشته‌ایم صمد بهرنگی و احمد محمود و چند تن دیگر بوده‌اند. لازم است که هر یک از این چهره‌ها جداگانه و در فرصت مناسب تری بررسی شوند.

وجه مشترک هر سه گروهی که در بالا ذکر شد، همچنان که گفتیم، این بود که همه از جامعه سرمایه‌داری انتقاد می‌کردند و لزوم اصلاح یا تغییر اساسی آن را نشان می‌دادند. در ضمن باید یادآوری کرد که آثاری که رئالیست‌های انتقادی نوشتند، صرفنظر از اینکه با چه دیدی و از چه موضعی آنها را نوشتند، ارزش زیادی داشتند زیرا به هر حال واقعیت‌های جامعه را نشان می‌دادند. از نظر مسیر تاریخ بطور اجتناب‌ناپذیر در جهت جامعه سوسیالیستی است و به همین علت هر توجیحی به واقعیت و روشن کردن زوایا مختلف واقعیت، با هر هدف و نیتی که باشد، کمکی است به نیروهای مترقی و ضربه‌ای است بر پیکر سرمایه‌داری و در نتیجه به سود سوسیالیسم است.

شعر

از: ر. ک.

خون

در شهر با جوی خونی روانست
جوی خونی از کارخانه
به کاخ
جوی خونی از مزرعه
به قصر
جوی سرخی که کارگران
ودهقانان
برچم سفید خود را در آن می‌شویند
جوی خونی از بهره‌کشی.
پینه‌های دست کارگر
و چروک پیشانی بزرگ
همه جای این خونند
چرا که خون رنجبران مدام در جریان است.
بر خیز ای رفیق
اتحاد تنها چاره تست
برای خشک کردن این جوی سرخ ...

از: س. پایان

ای غول رنج

می بینمت
پشت خمیده، کوفته، رنجور
از بار قرن‌ها استثمار
دست گواه کار توانفرس
با پینه‌های کهنه افزار کار
پایت. هماره بسته به زنجیر
زنجیر اضطراب -

می بینمت

تاریک و محو و دوزخ
در کام آهن و چدن و فولاد
در کام غرش و تیش و فریاد
غمزوزه مدام موتورها
فریاد رعد گونه سیلندر
فریاد تسمه‌ها
در جست و خیز آهن و فولاد غرب.
می بینمت

بر سر کلاه بغضی خاموش
پوشیده آن جبین پر آژنگ
بر تن لباس مندرس کار
پروصه، پاره، روغنی و چرب.
ای خشم بیکرانه اعصار!
ای خون هر مبارزه و بیکار!
ای غول رنج، مظهر درد و ستمبری!
نیروی انقلاب!
بادست خود فشردی دیروز
حلق حرامیان جهان‌خوار
از پای خویشتن بگشا امروز
زنجیرهای تازه سرمایه‌دار
ای کارگر!
ای کار!

آدرس بانکی سازمان چریکهای فدائی
خلق ایران: تهران - بانک ملی ایران، شعبه
دانشگاه، شماره حساب:
۳۲۰۹۸
بنام عباس فضیلت کلام.
از کلیه هموطنان مبارز خواهشمندیم فیش
بانکی کمکه‌های مالی خود را که به بانک واریز شده است
مستقیماً برای ستاد ارسال دارند.



نقدی بربک شورای کارگری

بقیه از صفحه ۱

بکنیم .
رفیق کارگر پس از شرح حال کوتاه خود نوشته است :

"حقیقت این است که ما سندیکیا نذاریم و به جای سندیکیای سابق یک شورای ۴۷ نفره درست کرده ایم بنام " شورای نمایندگان کارگران "

خواننده توجه می کند که ایس رفیق ، شورای نمایندگان را " بجای " - سندیکیای سابق گرفته است و این دقیقاً ناشی از درک غلطی است که از مسئله شورا دارد . شورائی که به هیچ وجه به جای سندیکیا به وجود نمی آید بلکه در مرحله ای خاص (اوج گیری مبارزات خلق و بخصوص کارگران) ضرورت پیدا می کند و بقول خود رفیق موظف است در طریقی کام بردارد که سرنوشت کارگران را خود کارگران تعیین نمایند .

و آنگاه ادامه می دهد :
" وقتی ما دیدیم باید دارای یک تشکیلات واقعی کارگری باشیم تا منافع ما را در مقابل کارفرما حفظ نماید ، چنین تصمیم گرفتیم ... "

ملاحظه می کنید تا منافع کارگران را در مقابل کارفرما " و نه در مقابل دولت " (که وظیفه شورا است) حفظ کند . حفظ منافع کارگران در مقابل کارفرما دقیقاً وظیفه سندیکیاست . پس رفیق به جای سندیکیا می خواهد شورائی ایجاد کند که منافع کارگران را در مقابل کارفرما حفظ کند یعنی به جای وظایف شورا وظایف سندیکیا را انجام دهد .

جلوتر برویم . وی پس از ارائه وظایف شورا (۱۷ مورد) که در دو مین جلسه نمایندگان مطرح شده بود و ضمن انتقاد به آن ، چنین ادامه می دهد :
" کارگری که اول نتواند خواسته های صنفی اش را مطرح کند و تحت تاثیر جریانات روز بکسره به سیاست بپردازد ، این آدم هنوز به شعور طبقاتی دست نیافته است "

دیگر " دید اقتصاد گرائی " وی کاملاً آشکار شده است ، کارگری که " یکسره " به مبارزه سیاسی بپردازد و خواست سیاسی را تعقیب کند ، شعور طبقاتی ندارد ، زیرا از خواسته های صنفی شروع نکرده است ، حتماً باید از خواسته های صنفی شروع کرد و بخواسته سیاسی رسید ؟ بله رفیق ؟ اما اشتباه است . علم رهائی طبقه کارگر جز این می گوید . بهتر است شما بیشتر به آن بپردازید و برای اینکار به آثار " لنین " مراجعه کنید . تنها برای روشن شدن موضوع اضافه می کنم که به جمله خود رفیق توجه کنید " تحت تاثیر جریانات روز " ، و این دقیقاً همان چیزی است که وی با آن که خود آن را نوشته است ولی به آن توجه نکرده است . بلی در شرایط عادی ، طبقه کارگر به کمک روشنفکران انقلابی در جریان مبارزه اقتصادی خود به ضرورت مبارزه سیاسی می رسد و سپس به آن می پردازد . اما

تحت تاثیر جریانات " خاص ، و در ایام خاص ، لحظاتی که شور و شوق و جوش و خروش انقلابی توده ها را در بر گرفته است ، نه . دیگر کارگر نباید در طریقی مبارزه اقتصادی طولانی به لزوم مبارزه سیاسی برسد و آنگاه به آن بپردازد . زد بلکه مبارزه طبقاتی را از همان ابتدا بصورت مبارزه سیاسی شروع می کند . رفیق وقتی که میگوید " من امیدوارم که در اثر تلاش و فعالیت بتوانیم از طریق کمیته های ارتباطات شوراهای کارگری ، دست به تشکیل اتحادیه های پر قدرت بزنیم . " باز هم بیشتر درک غلط خود را از شورا نشان می دهد . از به هم پیوستن شوراها ، شورای مرکزی به وجود می آید که دولت را در دست می گیرد و حاکمیت طبقه را اعمال می کند ، نه اتحادیه ای که با قدرت بیشتری می تواند با کارفرما چانه بزند .

مطلب را کوتاه کنیم . تصور نمی کنیم ذکر همین مقدمه کافی است تا درک غلط سوینده را از مفهوم شورا و سندیکیا نشان دهد . حال گزارش ساده و دلنشین رفیق را مطالعه کنیم .

* - اکنون میسیم
* - صفحه ۹۵-۹۶ مجموعه آثار ، چه باید کرد ؟
صفحه ۲۴۸ دو تا تکنیک سوسیال -
دموکراسی در انقلاب دیمکراتیک ،
مجموعه آثار .

دوستان عزیز :
من یک کارگر هستم و بهتر اینکه بگویم من یک کارگر مونتاز کارومکانیک عمومی میباشم . از موقعی که خودم را خوب شناختم رفتم توی شرکتهای پیمانکاری . این شغل باعث شده که من به خیلی از شهرهای ایران مسافرت بکنم . مثلاً پنج ماه یزد بودم ، دوسال آذربایجان و هفت ماه گیلان و همینطور از این شرکت به آن شرکت و از این شهر به آن شهر تا اینکه یک روزی تصمیم گرفتم دیگر از کار کردن توی شرکت های پیمان کاری دست بردارم و بروم توی کارخانه کاربکم . راستش با این تصمیم بود که بعنوان مکانیک ماشین آلات صنعتی وارد کارخانه شدم .

روزهای اول کارخانه برای من خیلی عجیب بودند . این سالن هائی که هیچ وقت آفتاب نمی دید دلم را می گرفت . آخر ما سابقاً توی کارمونتاز در هوای آزاد ، زیر آفتاب ، زیر باران ، شب و روز کاری کردیم و از بالا رفتن از اسکلت های بلند فلزی ، برج های کارخانه ها که می ساختیم لذت می بردیم اما حالا توی کارخانه ، توی یک سالن کم نور بی آفتاب که نه می توانستی آواز بسخوانی و نه از سروصدا می فهمیدی رفیق بقل دهنی توجه می گوید . من کلافه می شدم . اما من چون یک چیز را فهمیده بودم و آن اینکه آدم نمی تواند همیشه سرگردان این شهر و آن شهر باشد و باید در یک جا کار کند تا ریشه توی

خاک آنجا بدواند و اگرخواست بخش را بگیرد بتواند . این بود که کارخانه را قبول کردم و پذیرفتم . رفقای من توی کارخانه آدمهای خیلی خوبی بودند . هر کدام از یک شهر یا یک ده - مثل خودم آمده بودند و کاری کردند . مثلاً یک نفر رشتی بود ، یک نفر ترکو دیگری هم اهل لرستان . من از برخورد با سایر کارگران چون اکثر شهرهای مملکتان رادیده بودم و مثلاً اخلاقی و عادت مردم هر شهری دستگیرم شده بود ، این مسئله باعث شده بود که بین من با سایرین صمیمیت و رفاقت خاصی برقرار گردد .

ماتوی تعمیرگاه چهار نفر بودیم که کارهای فنی یک سالن را اداره می کردیم با وجود اینکه من استادکار تعمیرگاه بودم ولی برای جای آوردن و یا مثلاً شستن استکانها ، هیچ وقت نمی گذاشتم که به کارگر پادوی قسمت دستور بدهند . به بچه ها گفته بودم و عملاً نشان داده بودم که هر کس باید خودش کارهای شخصی خودش را انجام بدهد یا مثلاً از روی نوبت بروند و استکانها را بشویند . اوائل بچه ها مثل کارگران ساده از این کارهای من تعجب می کردند ولی مدتی که گذشت دیدند که واقعا درستش هم همین است ، آخر من با خودم می گفتم ماهمه کارگریم و برای یک کارفرما جان می کنیم پس چرا باید یک نفر از ما که کارش از همه ساده تر و حقوقش از همه کمتر است سایر زحمات را هم تحمل کند . این عادت و رسم بدی است که مثلاً ما هم بگوئیم مجتبی برو آب بیار ، مجتبی برو چائی اضافه کاری را بگیر ، مجتبی پنیرها را بشور . این نوع دستور دادن واقعا بد است . بنابراین توی تعمیرگاه ما همه کاری کردند و صمیمیت و صفای خاصی بین خودمان برقرار بود . سایر کارگران نیز از گروه کوچک ما یاد گرفتند و این شد که توی سالن ما یواش یواش رسم قدیمی استاد - شاگردی به شکل سوء استفاده ظالمانه از شاگردان رفت . البته این رابطه استاد و شاگردی چیزی نبود که یک دفعه ریشه کن گردد ولی ما خیلی سعی کردیم که به همه این آموزش را بدهیم که هر کس کارهای شخصی خودش را خودش باید بکند ، تا حدود زیادی هم موفق شدیم

* * *
پادم می آید ، یک روزی که مادر اعتصاب بودیم ، مهندس آمد و از من پرسید : " چرا کار نمی کنی ؟ " گفتم " اعتصاب است " گفت : " چه کسبانی به تو گفته اعتصاب کنی ؟ یا لا بر و سرکارت " . من هم در جوابش جلوی روی همه کارگرها گفتم " آقای مهندس هیچ کس به من نگفته که اعتصاب کنم ، من دوست دارم که کار نکنم و بچه ها همگی زدند زیر خنده .
ما اعتصاب زیاد داشتیم . به نظر من کارگری از نظر دیگر همکاران خود

محترم و قابل اطمینان است که در اعتصابات شرکت جسته و جدا برای پیشبرد هدفهای اعتصاب مبارزه و فعالیت نماید .

* * *
به نظرم بهترین راه برای رسیدن به سر اصل مطلب یعنی شورا ، آن چیزیکه این روزها خیلی مهم است ، بیشترین وظیفه ما ایجاد یک شورای واقعی می باشد که مادر داخل کارخانه خود آنرا به شکلی که برایتان تعریف می کنم درست کردیم . سعی فراوان هم در حفظ و نگاهداری آن خواهیم داشت . حقیقت آنست که ما سندیکانداریم و " بجای سندیکیای سابق یک شورای ۴۷ نفره درست کرده ایم به نام (شورا) نمایندگان کارگران " . جریان از این قرار است ، وقتی که ما دیدیم باید دارای یک تشکیلات واقعی کارگری باشیم تا منافع ما را در مقابل کارفرما حفظ نماید * * * چنین تصمیم گرفتیم که از هر ۵۰ نفر کارگر یک نفر بعنوان نماینده انتخاب گردد . بنابراین یک سالن که مثلاً ۱۴۴ نفر کارگر داشت ، سه نفر بعنوان نماینده - می توانست انتخاب کند . رای گیری به توسط سه نفر از کارگران پیشرو که نام شورای موسس به خود گذاشته بودند انجام گرفت . زیر نظارت این سه نفر و با کمک سایر کارگران ، نمایندگان گروههای ۵۰ نفری سالن ها انتخاب شدند که جمعا ۴۷ نفر گردید . این ۴۷ نفر به نام شورای نمایندگان کارگران پس از چندین جلسه بحث و مذاکره که بعضی وقتها در حین بحث کار به دلخوری از یکدیگر و مشاجره هم می کشیدند ، تصمیم گرفتند که از میان خود یک کمیته به نام کمیته هماهنگی انتخاب نمایند که این کمیته هم آهنگی در عین حال که سخنگوی شورا بود ، کارهای دفتری و تصمیمات شورا را تعقیب می کرد . ولی به هیچ وجه اعضاء کمیته هم آهنگی حق تصمیم گیری یک جانبه و سرخوردن را با کارفرما نداشتند . راستش بهترین کلمه برای تعریف کمیته هماهنگی همان سخنگوبودن آنان بود . شورا به دلائلی تصمیم گرفت حتی اسامی سخنگویان خود را بطور کتبی در کارخانه اعلام نکند . تصمیم گیری های ما بر این اساس است که هر نماینده درخواستهای کارگران گروه خودش را می آورد و در شورا مطرح می سازد . بیشتر خواسته های ما کارگران یکی است ، بنابراین پس از مطرح شدن خواست کارگران در شورا از این تقاضاها و خواسته ها ، هر جلسه سه تا از آنها را که اهمیت بیشتری دارند با کارفرما در میان می گذاریم بعد تقاضای انجامش را داریم . البته این را بگویم که تصمیمات جلسه شورا توسط سخنگویان آن با کارفرما مطرح می شود . سخنگویان وظیفه دارند که خواسته های کارگران را با کارفرما در میان بگذارند ، نه چیزی از آن کم نمایند و نه چیزی اضافه . اگر

در خلال صحبت سخنگویان ، شورائی نمایندگان کارگران با کارفرما مطلب جدیدی پیش کشیده شد ، سخنگویان حق ندارند بر سر موضوع تازه با کارفرما بحث کنند ، بلکه باید آن را بعنوان حرف کارفرما در جلسه شورا مطرح سازند تا شورا راجع به مثلا فلان پیشنهاد کارفرما تصمیم بگیرد . ما تصمیم گرفته ایم اگر در آینده وزارت کارخواست تصمیمات جدیدی راجع به اشکال شورا و تعداد نمایندگان آن بگیرد و قوانین تازه ای در این زمینه پیدا نماید جداً از موجودیت شورای خود در مقابل هر نوع هجومی دفاع کنیم . ما معتقدیم هر شورای واقعی باید به شکل همین شورای ماداره گردد و اگر فشار بیآورند و بگویند مثلا مثل گذشته سندیکیا داشته باشید ، بشرطی این سندیکیا را می پذیریم که زیر نظر شورا بخواهد کار کند ، در غیر این صورت ما زهم اکنون مطمئن هستیم که آن سندیکیا یک سندیکیای واقعی نخواهد بود . مطلب مهم در مورد شورا این است که تصمیم گیری جمعی است ، یعنی تصمیم به انجام هر خواسته و کاری از جانب همه نمایندگان گرفته می شود و همه پس حق دارد که حرف خود را بزند . چون تصمیمات بر اساس خواسته های خود کارگران است بنابراین کارگران شدیداً از موجودیت شورا و حرفهای آن در مقابل کارفرما دفاع میکنند سیاست شورا بر اساس گفته یکی از دوستان ما پایه ریزی شده است . این کارگر حرف بسیار جالب و پرمفزی زده بود به این مضمون که :
" من به حکومت عقیده ها معتقدم ولی با حکومت بر عقیده ها مخالف می باشم " . ضمناً این راهم بگویم که شورا تصمیم گرفته علاوه بر کمیته هم آهنگی کمیته های دیگری نیز با تعداد افراد متغیر داشته باشد . به این شرح : مثلا کمیته آموزش و تفریح ، رات ، مسئول کتابخانه کارخانه . چون ما تصمیم گرفته ایم یک کتابخانه برای کارگران درست کنیم .
کمیته خدمات - در زمینه برطرف کردن گرفتاریهای شخصی کارگران و درگیریهای فردی آنان با کارفرما .
کمیته ارتباطات - در جهت برقراری رابطه با سندیکیاها و شوراهای سایر کارخانجات واضح است که تعداد کمیته های یک شورا بر حسب ضرورت - می تواند کم و زیاد گردد . من در اینجا لازم می بینم خواسته های مطرح شده از طرف کارگران را در دو مین جلسه شورا بنویسیم تا ببینید اگر شورا باشد و کارگران بدانند که گوش شنوائی برای شنیدن حرفهایشان هست چه پیشنهادات جالب و خوبی مطرح می گردد .

بقیه در صفحه ۷

تعیین سرنوشت در روستا بدست روستائی است

روستائیان سالیان دراز است که زیر ستم رژیمهای سرسپرده گذشته و زمینداران بزرگ بوده اند، رژیمهای گذشته همیشه تلاش کردند به هر شکلی روستائیان را غارت و استثمار کنند. یکی از آن موارد اصلاحات ارضی فرمایشی رژیم شاه بود که خود وسیله ای در جهت نابودی و خانه خرابی بیشتر دهقانان و بهره کشی و غارت بیش از حد سرمایه داران و زمینداران وابسته بود و روستائیان ناچار بودند با تحمل همه نوع مشکلات محصولی بدست آورند و اجباراً به قیمتی ارزان در اختیار واسطه ها و زمینداران بزرگ قرار دهند و بعد حاصل آنرا به بانکها و نوزولخوران و شرکتها به اصطلاح تعاونی کشاورزی بدهند و مازاد اندک آنرا لقمه نانی تهیینه کنند و به زن و فرزندانشان خود بدهند. ولی این وضع دیگر برای روستائیان

قابل تحمل نبود. به این جهت در یک سال اخیر دهقانان و زحمتکشان روستاها همراه کارگران و دیگر زحمتکشان در شهرها رژیم شاه را سرنگون کردند تا بتوانند از این تبعید به خواستهای خود جامعه عمل ببوشانند. دهقانان می خواهند زمین های غصب شده شان را به آنان بازگردند. آنان می خواهند خود حاکم بر سرنوشت خویش باشند. آنان دیگر به هیچ وجه حاضر به بهره دهی به زمینداران و سرمایه داران گذشته نیستند. اکنون در پی تلاش روستائیان در جهت حاکمیت بر سرنوشت خود ما شاهد تشکیل شوراهای متعدد روستائی هستیم تا بتوانند دست عمال سرسپرده امپریالیسم و ارتجاع را از سر خود کوتاه کنند.

در اینجا نمونه هایی از قطعنامه های شوراهای روستائی را می آوریم:

مشت محکم دهقانان بر دهان زمینداران بزرگ و ارتجاع داخلی

درگردهمایی روز ۵۸/۱/۱۵ در روستای "سلمان" از توابع گرمسار که از طرف دهقانان زن و مرد این منطقه برگزار شد اعلام گردید: زمین هائیرا که در دوران رژیم اختناق در دست مالکان بزرگ بوده و اکنون فراری شده اند شخصی بنام حسن علیزاده که از مزدوران و وابستگان همان مالکان و مفتخوران فراری می باشد تصاحب نموده و از آن خود ساخته است. از آنجائیکه تمامی مردم مبارز و زحمتکش بر این امر متفق القولند که زمین از آن کسی است که روی آن کار می کند و تاکنون نیز محصول دسترنج روستائیان را که سالیان متداری بر روی زمینها کار کرده اند عده ای سرمایه دار و زمیندار

بزرگ می ربوند و بعلت حکومت زور و خفقان پهلوی هرگونه اعتراض باشد سرکوب می گردید. اینک که انقلاب شکوهمند زحمتکشان ایران می رود دست مزدوران و چپاولگران میهن را برای همیشه کوتاه کند، دهقانان روستا "سلمان" تصمیم گرفته اند که زمین های خود را پس بگیرند. آنها برای این کار دوره پیشنهاد کردند.

یکی اینکه از طریق کمیته امام و دادگاه وارد عمل شوند و زمینهای خود را از مفتخوران فراری پس بگیرند، دیگر اینکه روستائیان خود به سرزمینهایشان رفته و با وسایل زراعت روی آنها کشت کرده و زمینهایشان را بدست آورند.

خواستهای جمعی از دهقانان شهرستان آمل

جمعی از اهالی روستاهای فرامده، اسد، الله آباد، بزهیمان، کنسی، علی آباد، هرازی، ولم علیا، ملا کلا، زرد آب، ابوالحسن آباد، معلم کلا دیو، عزت آباد، علمده شرقی، کلرز علیا، رود پست، آزادمون، تاجن کنار، چهارافرا، علم، اسکند، خواستهای حیاتی و برحق خود را طی قطعنامه ای شرح زیر مطرح می کنند:

۱- کشاورزان روستاهای آمل همراه با دهقانان سراسر کشور برای ساختن ایرانی مترقی و آزاده دور از ستم های طبقاتی خواستهای مشروع و قانونی خویش را به شرح زیر اعلام میدارند.

۱- لغو کلیه بدهیها و تعهدات مالی دهقانان به بانکها و موسسات دولتی و دیگر نوزولخوران.

۲- خرید محصولات کشاورزی با نرخ عادلانه از طرف شرکتها و تعاونی روستائی به منظور کوتاه نمودن دست واسطه های خرید و فروش.

۳- گسترش شرکتها و تعاونی فروش و مصرف.

۴- تامین امکانات رفاهی، بهداشت، بیمه، برق و آب.

۵- گسترش اصلاحات ارضی از طریق مصادره زمین های مالکین بزرگو و دایز کردن زمینهای بایر و قابل کشت جهت تامین زمین کافی برای دهقانان بی زمین و کم زمین.

۶- اعطای وام های طویل المدت و بدون بهره و کمکهای مالی به دهقانان.

۷- در اختیار گذاشتن امکانات تولیدی از قبیل کود، بذراصلاح شده، آب، سم، ماشین آلات با قیمت ارزان.

۸- به رسمیت شناختن کمیته ها و اتحادیه های دهقانی و اجازه شرکت فعال این انجمنها در امر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی.

۹- آزادی بدون قید و شرط بیان عقیده، مذهب، تظاهرات، اجتماعات و احزاب و سازمانهای مترقی.

قطعنامه با این شعار تمام می شود: "زمین برای بزرگ، کار برای کارگر، آزادی برای همه"

توطئه گران را رسوا کنیم

عجب شیخ - روز ۱۷ فروردین در قریه شیشوان توطئه ای تازه ای اتفاق افتاد. منوچهر ملک قاسمی که یکی از بیس مانده های دوره قاجاریه و از کاندیدهای سابق مجلس شورای رژیم پیشین بود، از بزرگزمین داران شیشوان از توابع عجب شیر نیز به حساب می آید که سابقاً ضدمردمی ناسیده برای اهالی این منطقه روشن و آشکار است. منوچهر ملک قاسمی زمیندار بزرگ و کاندیدای سابق مجلس رعضو کمیته امام فعلی تبریز با سوء استفاده از بخشنامه اخیر دولت مبنی بر پس دادن زمینهای غصب شده توسط کشاورزان (بغداد قیام) به زمینداران سابق درصددیس گرفتن زمین های تقسیم شده از روستائیان مزبور بر می آید. از آنجاکه این شخص خود شرا در کمیته تبریز جازده است با سوء استفاده از موقعیت خود موضوع را با کمیته در میان می گذارد و با کمک ۱۳ نفر پاسدار مسلح کمیته همان شهر در ۱۷ فروردین ماه



خواستهای مشترك اهالی چند روستا

زحمتکشان قریه علی آباد افشارزدهات گردنشین جاده تکاب بین سفرو سندان طی نشست ۱۶ فروردین نمایندگان شورای دهقانی ده خود را انتخاب کردند، همچنین کشاورزان قریه های چغل دهر و دیلجان از روستاهای اطراف لاهیجان، دهقانان قریه کاشان از حومه شهرستان اهر، دهقانان آبکنار انزلی و دهقانان روستای نادارلی (نظرلسو) گونشی از توابع شستر، ضمن تاکید بر مبارزات قهرمانانه مردم زحمتکش ایران و اعلام همبستگی با آن خواستهای خود را طی اعلامیه هایی مطرح کردند:

خواستهای مشترك روستاهای فومنات

کشاورزان زحمتکش روستاهای فومنات پس از سالها متداری که از هرگونه اظهار نظر محروم بوده اند، اکنون پی برده اند که می توانند حرف بزنند و نظر بدهند. اینان ضمن تشریح ستم تاریخی که بر تمامی مردم ستمکش ایران اعمال می شد، خواستهای برحق خود را که در دوران رژیم منغور پهلوی همواره زیر پا نهاده می شد برشمردند. از آنجائیکه خواستها و دردهای تمامی روستائیان مشترک میباشد، به برشمردن تعدادی از این خواستها می پردازیم:

۱- لغو کلیه دیون کشاورزان از بانکهای تعاونی و کشاورزی و دیگر موسسات

۲- لغو کلیه باقیمانده قروض باز خرید زمین.

۳- لغو آب بها برای کشاورزان.

۴- تامین بهداشت و درمان رایگان.

۵- پرداخت وام بدون بهره و طویل المدت به دهقانان و دامداران.

۶- دادن زمینهای بایر به کشاورزان و خوش نشینها جهت توسعه کشاورزی.

۷- تهیه کود شیمیائی و سموم دفع آفات.

۸- حق تشکیل شورای دهقانی برای اداره امور روستاها.

کشاورزان از دولت موقت چه میخواهند

درنامه ای که کشاورزان قریه کباکلا به حومه لنگرود در تاریخ ۲۳ فروردین ماه به دولت نوشته اند، ضمن اشاره به اعمال ضد خلقی رژیم منحوس پهلوی که موجب نابودی زمینهای کشاورزی و بی خانمانی کشاورزان و روستائیان گشته است با تاکید بر جنبش انقلابی مردم و رهبری آن، انتظارات خود را از دولت موقت بدین شرح اعلام نمودند:

۱- لغو کلیه بدهی ها و تعهدات مالی گذشته دهقانان به بانک کشاورزی.

۲- گذاشتن کود و سم به قیمت ارزان و مناسب در اختیار دهقانان.

۳- دادن وام بدون بهره به روستائیان و اینکه تمام وامها در اختیار کشاورزان قرار گیرد. (توضیح اینکه قبلاً مبلغ زیادی از وامها در اختیار رباخواران و سرمایه گذاران قرار می گرفت)

۴- گذاشتن وسائل تولید کشاورزی مانند موتور شخم زنی، وسائل سمپاشی و... در اختیار دهقانان

هدار به اعضای شورا

روز ۲۱ فروردین ماه، کلیه کارگران، کارمندان و سرپرستان شیر پاستوریزه منطقه ای تبریز در یک اجتماع، اعضای شورای خود را انتخاب کردند.

یک کارگر، یک تکنسین، یک کارمند اداری و یک کارشناس که رئیس انبار شرکت است اعضای شورا را تشکیل می دهند.

کارکنان در این اجتماع اعلام کردند که اگر شورا در مهلت مقررنهتواند وظایف خود را بخوبی انجام دهد از طرف کارگران و کارمندان اعضای جدیدی انتخاب خواهند شد، در تائید این نظر لازم است یاد آوری کنیم یکی از راههای مفیدی که میتواند شورا را از هرگونه انحراف و فساد دور نگاهدارد نظارت و کنترل دقیق دیگر کارکنان و همکاران در یک موسسه یا یک واحد تولیدی خواهد بود که به محض مشاهده هرگونه خلافی با برخوردی اصولی با آن از آسیب پذیری روش اصولی شورا جلوگیری شود.

خودتان افرادی را معین کنید

گروهی از کارمندان وزارت بهداشتی - تهران طی اعلامیه ای گفته اند، همان طور که وزیر بهداشتی قبلاً گفته بود برای معرفی روسا و معاونین من کسی را نمی شناسم، خودتان افرادی را معرفی کنید. کارکنان یک نفر از افراد مطمئن را به وزیر معرفی کردند ولی بعداً مشخص دیگری با انتصاب وزیر در راس کارها قرار گرفتند که یکی از آنان در رژیم پیشین مدیرکل بهداشتی آذربایجان غربی بود که بخاطر فساد اخلاقی و پولی از آنجا رانده شده بود. آنان در پایان از دولت خواسته اند، هرچه سریعتر تغییراتی را در سطح وزارت بهداشتی بعمل آورد.

عدم دخالت افراد غیرمسئول خواست کارگران است

یکی از مهندسين گريد . حادثه به اين شكل بود كه در تجمع كارگران و كار - كنان كارخانه در روز فوق كه به دعوت كميته كارخانه براي سخنراني يكي از دوستان رئيس كارخانه به نام " ميري " تحت عنوان نماينده كميته قزوين - انجام شده بود ، توسط عده اي پيشنهاد شد كه بايد به قراردادهاي رئيس و معاون نوي با شركت - سرمايه داران خارجي رسيدگي شود تا بدين وسيله زد و بندهاي آنان براي عموم كارگران روشن شود . ولي " ميري " به شدت با اين پيشنهاد مخالفت كرد ولذا محيط آنجا را به كمك عناصر ارتجاعى و چيره - خوار (كه بعضى از آنان بارئيس - كارخانه خويشاوند بودند) تحريك كرده و موجب بروز آن حادثه ساختگى گرديد در پايان اعلاميه " خواستهاي فوري كارگران كارخانه سيمان آبيك " آورده شده است :

- ۱- تشكيل واقعي شوراي موقت هماهنگي كارخانه براي اداره امور كارخانه .
- ۲- انجام هرچه زودتر انتخابات نمايندگان واقعي كارگران براي تشكيل سنديقا .
- ۳- بررسي پرونده هاي قراردادي كارخانه با شركتهاي خارجي و داخلي كه توسط روساي كارخانه انجام شده - است .

قزوين - اعلاميه اي تحت عنوان " چه كساني براي بازگشت روساي عربده كش كارخانه سيمان آبيك تلاش مي كنند ؟ " بدست ما رسيده است كه قسمتهاي از آنرا در زير مي آوريم :

در مقدمه آمده است كه " كار - خانه سيمان آبيك يكي از كارخانه هاي شركت سهامى فارس و خوزستان وابسته به بنياد پهلوي سابق بوده است " و سپس ضمن ذكر نام مدير عامل ، رئيس كارخانه و معاون وي چهره هاي اين عوامل ضد كارگري را مي شناساند و آنگاه چنين ادامه مي يابد :

" بعد از قيام سلطنت شاهنشاهي ، سارگران ، شروع به تصفيه محيط كارخانه كرديم و از آن جمله معاون كارخانه ، سركارگران خائن و عوامل معاون كارخانه را اخراج كرديم . در ادامه اقدامات خود شوراي مركب از ۱۰ نفر تشكيل داديم متاسفانه از آنجا كه كارگران آشنائي درست به انتخابات نداشتند ، افرادی وارد شورا شدند كه قبلا جزو دارودسته رئيس و معاون بودند و با كارشكني در امر توليد و نفوذ در كميته و تحت تاثير قرارداد ن مسئولين كميته در جهت خلاف منافع كارگران شرايطي فراهم نمودند كه رئيس و بدنيال آن معاون وي وساير سركارگران خائن راه سركار بازگردانند و براي رسيدن به اين هدف تا آنجا پيش رفتند كه با تحريك كارگران توسط افراد معلوم الحال ، حوادث روز ۲۱/۵۸/۱ را بوجود آوردند كه موجب مضر و بشدن

تا ما اعتراض نكنيم حقمان را بدست نمي آوريم

تبريز - انبارهاي عمومي سيلان در حدود ۵۰ نفر از كارگران كه در زمان شاه سلب از كار بركنار شده بودند روز ۱۵ فروردين ماه در كار - خانه جمع شدند . بنا به تصويب كميته ۱۰ نفر از آنها به كار بازگشتند و بقيه گفته شد كه به هيچ عنوان آنها را استخدام نخواهند كرد . بهتر است بي خود خود را به دردسر نيندازند .

كارگران شديدا اعتراض كردند و رئيس كارگري را كه از خوانين و طرفدار رژيم سابق است تهديد كردند . وي اخيرا نماينده كميته امام در كارخانه شده است . كارگران اخراجي در پاسخ كارگري كه آنها را دعوت به آرامش مي كرد بكارچه گفتند كه تا ما اعتراض نكنيم حقمان را بدست نمي آوريم ، چون حقمان را مي خورند بايد اعتراض كنيم و كارفرماست كه اعتراضى ندارد . در ضمن كارگران شاغل كارخانه نيز در همين روز در يك گردهمائي تصميم گرفتند كه پنجشنبه را جزو تعطيل رسمى كارگران بياورند و اگر كارفرما به كار آنها نياز دارد بايد دوبرابر دستمزد معمولي را بپردازد .

- ۴- اخراج افراد فاسد و ضدكارگري و ديگر افرادي كه عدم صلاحيت آنها با بررسي پرونده ها مشخص مي شود .
- ۵- عدم دخالت هرچه زودتر افراد غيرمسئول خارج از كارخانه در اداره كارخانه .

" گروهى از كارگران كارخانه سيمان آبيك "

خواسته هاي كارگران شركت سهامى دستاس

سارى - كارگران شركت سهامى دستاس ضمن قطعنامه اي خواسته هاي خود را در يازده مورد اعلام كردند و از دولت خواستند كه به خواسته هاي آنها رسيدگي كند .

در اين قطعنامه آمده است كه : ما كارگران در دوران رژيم منقور پهلوي به اندازه كافي ستم كشيده ايم ، بعد از نابودي اين رژيم اميدوار بوديم كه ديگر بتوانيم نفع را به دست آوريم ، اما در كمال تاسف مي بينيم كه هنوز كارفرمايان خود - سرانه دست باخراچ كارگران زحمتكش مي زنند هنوز ما از حداقل حقوق كه بتواند شك ما وزن و بچه هايمان را سير كنند

دست عناصر ضد انقلابي از كارخانه ها کوتاه

تبريز - كميته كارگران كارخانه ايدم تبريز (سازنده موتورهاي ديزل بنز) در ادامه پاكسازي كارخانه از عناصر ضد انقلابي جلسه اي تشكيل داد . در اين جلسه تمام كارگران كارخانه كميته تعدادشان به ۱۳۵ نفر مي رسيد . شركت داشتند . بر اساس تصميم قبلي كميته كارگران ، جعفر يان رئيس - انتظامات و " فرشي " مدير توليد بايد اخراج مي شدند . مدير عامل (كه نام خود او در ليست ۱۸ اخراجي بود) در اين كار اخلال مي كرد .

يكي از كارگران در اين زمينه گفت : چطور مدير عامل مي تواند كارگران را بدون پرداخت مزايي و حقوق اخراج كند اما وقتي ۱۳۵ كارگر خواهان اخراج دوما مور فاسد هستند با مقاومت وي روبرو مي شود ؟

در همين جلسه از مدير عامل كارخانه درباره ۱۲ چك به مبلغ شش ميليون ريال كه در وجه روساي قسمتها صادر شده است توضيح خواسته شد . در همين هنگام دوما مور اخراجي كه تا اين لحظه در كارخانه بودند متواري مي شوند .

كارگران اعلام مي كنند چنانچه عناصر فاسد كه موارد اتهام و همكاري آنها با رژيم گذشته مشخص شده است ، به كارخانه مراجعه كنند ، دستگير و به مقامات انتظامي تسليم خواهند شد . جلسات كميته كارگران كارخانه ايدم براي پاكسازي عناصر ضد انقلابي و رسيدگي به خواسته هاي كارگران بطور منظم ادامه دارد .

نقدی بريك شوراى ...

- ۱- تقسيم كار بين نمايندگان كارگران .
- ۲- تشكيل مستمر جلسات شورا حداقل دوروز در هفته .
- ۳- اعلام انحلال سنديقاي سابق و سپردن امور آن به تدريج به شوراي نمايندگان كارگران .
- ۴- لزوم اتحاد و همبستگي بين نمايندگان و كارگران .
- ۵- تشكيل كميته هاي مختلف شورا و تعيين وظائف آنها .
- ۶- ارشاد و راهنمايي كارگران در زمينه شناخت بنيادى مسائل انقلاب ايران ، از جمله نحوه شكل گيرى حكومت و مجلس موسسان در آينده .
- ۷- توضيح اينكه نماينده هر گروه ۵۰ نفرى در شورا حكم سخنگوي آنها را ندارد و تصميم جمعي ۵۰ نفر را به شورا منتقل مي سازد .
- ۸- شورا موظف است در طريقيت كام بردارد كه سرنوشت كارگران را خود كارگران تعيين نمايند . (تعريفي درست هدف شورا) .
- ۹- شورا موظف است در جهت پاكسازي محيط كارخانه از عناصرى كه با حقوق هاي گراف استفاده شده
- ۱۰- تقسيم كار بين نمايندگان و كارگران .
- ۱۱- تشكيل مستمر جلسات شورا حداقل دوروز در هفته .
- ۱۲- اعلام انحلال سنديقاي سابق و سپردن امور آن به تدريج به شوراي نمايندگان كارگران .
- ۱۳- لزوم اتحاد و همبستگي بين نمايندگان و كارگران .
- ۱۴- توضيح اينكه نماينده هر گروه ۵۰ نفرى در شورا حكم سخنگوي آنها را ندارد و تصميم جمعي ۵۰ نفر را به شورا منتقل مي سازد .
- ۱۵- شورا موظف است در طريقيت كام بردارد كه سرنوشت كارگران را خود كارگران تعيين نمايند . (تعريفي درست هدف شورا) .
- ۱۶- شورا موظف است در جهت پاكسازي محيط كارخانه از عناصرى كه با حقوق هاي گراف استفاده شده
- ۱۷- بررسي نيازمنديهاي مادي و معنوي كارگران و كوشش در راه برطرف كردن آنها از وظايف عمده شوراي نمايندگان انتخابي مي باشد .
- ۱۸- جلسات شورا ادامه پيدا كرد و شعور كارگران شركت كننده در شورا رشد يافت تا اينكه در پنجمين جلسه شورا خواسته هاي كارگران شكلي كاملا متفاوت با خواسته هاي قبلي گرفت ، به نظر من آن ۱۷ خواسته دومين جلسه شورا تحت تاثير جريانات سياسي كه بيرون كارخانه مي گذرد مطرح گرديد . اندونمي نتوانند در عين مترقي بودن خواسته واقعي كارگران باشد . دليلش هم واضح است . كارگري كه اول نتواند خواسته هاي صنفيش را مطرح كند و تحت تاثير جريانات روز بگسره به سياست بپردازد ، اين آدم هنوز شعور طبقاتي نيافته است .
- ۱۹- ماهمين شورا در جلسه پنجم خود چون به خاطر بحث هاي كه در شورا مطرح شده آگاهيش بالا رفته ، خواسته هاي زير مطرح مي كند كه بنظر من طرح اين خواسته هاي صنفى از جانب كارگران خيلي خيلي مهمتر
- ۲۰- بررسي نيازمنديهاي مادي و معنوي كارگران و كوشش در راه برطرف كردن آنها از وظايف عمده شوراي نمايندگان انتخابي مي باشد .
- ۲۱- جلسات شورا ادامه پيدا كرد و شعور كارگران شركت كننده در شورا رشد يافت تا اينكه در پنجمين جلسه شورا خواسته هاي كارگران شكلي كاملا متفاوت با خواسته هاي قبلي گرفت ، به نظر من آن ۱۷ خواسته دومين جلسه شورا تحت تاثير جريانات سياسي كه بيرون كارخانه مي گذرد مطرح گرديد . اندونمي نتوانند در عين مترقي بودن خواسته واقعي كارگران باشد . دليلش هم واضح است . كارگري كه اول نتواند خواسته هاي صنفيش را مطرح كند و تحت تاثير جريانات روز بگسره به سياست بپردازد ، اين آدم هنوز شعور طبقاتي نيافته است .
- ۲۲- ماهمين شورا در جلسه پنجم خود چون به خاطر بحث هاي كه در شورا مطرح شده آگاهيش بالا رفته ، خواسته هاي زير مطرح مي كند كه بنظر من طرح اين خواسته هاي صنفى از جانب كارگران خيلي خيلي مهمتر

به آتش کشیدن کتابهای علمی در خدمت ضد انقلاب است

یکی از شیوه های شناخته شده ضد انقلاب همواره از بین بردن کتابهای علمی، ترور افکار و تحمیل عقاید است. اینروزها بانفوذ روزافزون عوامل امپریالیسم و عناصر ساواک در کمیته های زیر لوای اسلام علوی عملاً اسلام صفوی را پیاده می کنند. حمله به دفتر سازمانهای مترقی، ضرب و شتم عناصر مبارز، به آتش کشیدن کتابفروشیها و تهدید کتابفروشان کنار خیابان، حمله به تظاهرات کارگران و گرفتن باج و دادن رشوه جزو مسائل روزمره اند. در چهارشنبه گذشته یکی از نمونه های بارز این اعمال ضد انقلابی در شهر زنجان به وقوع می پیوندد. در روز چهارشنبه کارکنان بانک بازرگانی به تحریک کمیته بانک خیابان حمله کرده و پس از پاره کردن عکسهایی صمد بهرنگی و خسرو

گل سرخی کلیه کتابها را به آتش کشیده و بازنجیر و چوب و سنگ به نشریه فروشی حمله میکنند و پس از ضرب و شتم وی و خاک مالیدن به سر و رویش به وی پیشنها می کنند که با گرفتن ۲۰ هزار تومان از کار کتابفروشی خودداری نماید. کتابفروش آگاه از گرفتن رشوه خودداری نموده و مسلسل افراد کمیته را که به شرفیقه اش نهاده و تهدید به مرگ کرده بودند تحقیر می نماید زیرا که ایمان را با پول نمی توان خرید. می پرسیم که چرا از میان ۲ میلیون کارگر بیکار کارکنان بانک بازرگانی و افراد کمیته زنجان به فکر رشوه دادن به یک کتابفروش کنار خیابان افتاده اند؟ آیا واقعا دلشان برای کارگران سوخته است و یا آنکه می خواهند از گسترش عقاید علمی در شهر زنجان جلوگیری کرده تا بادت باز به چپاول مردم مشغول شوند.

سمینار راهیابی برای حل مشکل مسکن

سازمان ملی معماران و شهر سازان بمنظور ایفای نقش سازنده در حل مسائل اجتماعی و از آنجمله حل مشکل مسکن، از تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه سمیناری در سالن اجتماعات دانشگاه فارابی واقع در خیابان وزرا از ساعت ۷ تا ۴ بعد از ظهر برگزار می نماید.

علاقتمندان می توانند برای تنظیم برنامه سمینار تا تاریخ ۱۵ اردیبهشت ماه به محل مذکور آمده یا با تلفن شماره ۶۲۶۶۷۱ تماس بگیرند.

تحصن مجدد سپاهیان دوره ۲۱

گیلان - (۵۸/۱/۱۸) سپاهیان دوره ۲۱ مجدداً برای رسیدگی به خواسته های خود دست به تحصن زده و بیانیه زیر را صادر نمودند:

" در بارورتر کردن و حفظ دستاوردهای مبارزات حق طلبانه خفلهای میهن مان که هزاران شهید همراه داشته است و نیز جهت مبارزه با هرگونه بی عدالتی و تبعیض، ما سپاهیان دوره ۲۱ بعلت عدم رسیدگی به حق قانونی خود مجدداً در اداره کل آموزش و پرورش استان گیلان متحصن شده ایم و مصرا از مقامات مسئول تقاضای رسیدگی فوری به وضع خود را داریم.

۱- تعیین تاریخ تشکیل کلاسهای کارآموزی جهت استخدام.

۲- استخدام کلیه سپاهیان دوره ۲۱ در تاریخ قراردادی.

خواسته های برحق زحمتکشان

۳- تعیین تاریخ استخدام.

۴- استخدام کلیه سپاهیان دوره ۲۱ در تاریخ قراردادی.

خواسته های برحق زحمتکشان

۵- خرید محصولات ده توسط دولت برای کوتاه کردن دست سرمایه داران و دلالتان جهت افزایش قدرت خرید و بالابردن سطح زندگی مردم در روستا و کاهش اختلاف بین سطح زندگی در شهر و روستا.

۶- کوتاه کردن دست غارتگران، دزدان و زورگویان از سر مردم و تأمین امنیت ده با حمایت دولت از مردم و نمایندگان منتخب آنها.

۷- تأمین بیمه درمانی رایگان جهت استفاده از امکانات شهرها و ایجاد درمانگاه در منوجان و همچنین دردهات دیگری که ضروری باشد.

نمی خواهیم برای سرمایه داران خارجی کار کنیم

تبریز- کارگران حفاری سد کوه سدابان (دکل ۸۳) اساسنامه شورای خود را در ۲۵ ماده تدوین و منتشر کردند. در مقدمه اساسنامه شورا آمده است:

" با اینکه مدتی از انقلاب خونین مان می گذرد تاکنون کوچکترین تغییری در وضع اجتماعی، صنفی و رفاهی ما کارگران به وجود نیامده است. باز همان شرایط طاقت فرسا حاکم است و عده ای سرمایه داز داخلی و خارجی به استثمار کارگران مشغول هستند. ما نمی خواهیم دیگر برای این سرمایه داران که ماسک انقلابی به چهره زده اند کار کنیم. این افراد که در گذشته هدفی جز سرکوبی کارگران نداشتند همچون "مارزخمی" به انتظار فرصت نشسته اند تا ضربه ها خود را به کارگران وارد آورند.

ما کارگران حفاری دکل ۸۳ پس از سالها مبارزه به این نتیجه رسیده ایم که برای رهایی از استثمار باید متحد و متشکل شویم. به این منظور اساسنامه شورای کارگران را تهیه کرده ایم تا بر اساس آن به مبارزه ادامه دهیم."

قسمتی از مواد اساسنامه به شرح زیر

خواسته های کارگران روز مزد هوایمائی

تهران- کارگران روز مزد صنایع هوا پیمائی که مدتی است بیکار شده اند در قطعنامه ای خواسته های خود را مطرح کردند. در این قطعنامه آمده است:

ما کارگران که علیه استثمار و استثمار هستیم مبارزه کرده ایم انتظار داریم پس از پیروزی انقلاب از ثمرات آن برخوردار شویم در حالیکه امروز با مشکلات تازه ای روبرو شده ایم که ما و خانواده هایمان را تهدید می کند.

در پایان این قطعنامه کارگران خواستار بازگشت به کار، دریافت حقوق خود در مدت اعتصاب و بیکاری و برخورداری از امکانات اجتماعی و رفاهی شده اند. در ماده چهارم این قطعنامه آمده است:

ما کارگران روز مزد صنایع هوا پیمائی همبستگی خود را با اتحادیه کارگران هوا پیمائی اعلام می کنیم و از این اتحادیه می خواهیم موقعیت ما را مشخص کرده و حقوق از بین رفته ما را پس بگیرد. ضمناً تا مشخص شدن موقعیت ما، صنایع هوا پیمائی موظف هستند حقوق و کلیه مزایای ما را بپردازند.

حمله مرتجعین به نمایشگاه کتاب و عکس

بوشهر- روز ۲۵ فروردین ماه ساعت ۹/۵ شب نمایشگاه کتاب و عکس و اسناد هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق در بوشهر مورد حمله عده ای از عناصر ناآگاه تحریک شده از سوی مرتجعین و سرمایه داران وابسته قرار گرفت. در این حمله حدود ۷۵ هزار تومان خسارت وارد آمد که این رقم شامل عکس، کتاب و اسناد و یک سری وسائل صوتی می باشد.

ما بارها از دولت سؤال کرده ایم

لغو کلیه قوانین ضد کارگری

همدان- گروه زیادی از کارگران و دیپلمه های بیکار روز بیست و پنجم فروردین در استانداری همدان متحصن شدند از طرف آیت اله مدنی برای پیگیری خواسته های کارگران بیکار اقداماتی انجام گرفت و کارگران به شرط آنکه مذاکره ادامه یابد به تحصن خاتمه دادند. خواسته های کارگران و دیپلمه های بیکار همدان به شرح زیر است:

۱- ایجاد کار برای کلیه کارگران

۲- فصلی و اخراجی

۳- پرداخت حقوق بیکاری بدون هیچگونه تعهد و شرطی.

۴- بخش خواسته های کارگران از رادیو تلویزیون.

۵- لغو کلیه قوانین ضد کارگری.

۶- مجازات عاملین کشتار و مجروح کردن کارگران در اصفهان و جلوگیری از اینگونه اقدامات ضد انسانی.

اخبار کوتاه

موفقیت کارگران اخراجی شیر پاستوریزه در تبریز

تبریز- ۳۱ نفر از کارگران اخراجی کارخانه شیر پاستوریزه پس از مذاکره با مسئولان و مبارزه با مدیر کارخانه که مانع ادامه کار آنها بود موفق شدند سر کار بازگردند. این کارگران در جریان مبارزه خود دست به اعتصاب غذا زدند و مدیر عامل کارخانه را مجبور کردند دست از مقاومت بردارد. بر اثر تلاش و پیگیری کارگران مبارز شیر پاستوریزه تبریز، مدیر عامل نمایندگی اداره کار موافقت کردند حقوق چند ماه گذشته آنها پرداخت شود.

اجتماع رانندگان رابرهم زدند

۱۵۰ راننده که برای استخدام به اداره بهداری و بهزیستی تبریز آمده بودند با تیراندازی هوایی ماموران کمیته متفرق شدند. اجتماع کارگران به دنبال دعوت اداره کار و استانداری انجام گرفته بود. تیراندازی ماموران کمیته که موجب وحشت مردم شد از جانب رانندگان اجتماع کننده و مردم حاضر در محل به شدت محکوم شد.

مبارزه کارگران بیکار کشت و صنعت

اندیمشک- گروهی از کارگران کشت و صنعت اندیمشک که بیکار شده اند در تاریخ ۲۶ فروردین در میدان شهر شوش و محل بخشداری اجتماع کردند و خواهان دریافت حقوق ایام بیکاری و بازگشت به کار شدند. این کارگران در شرکت های کشت و صنعت ایران- آمریکا، هاوایی و کالیفرنیا کار می کردند.

بخشداری شوش قول داده است

به هر خانواده بیکار سه هزار تومان حقوق پرداخت شود. کارگران تصمیم گرفتند یک شرکت تعاونی به منظور رفع احتیاجات خود با مشارکت همه کارگران تشکیل دهند.

کارگران بیکار کشت و صنعت اعلام

داشتند تا رسیدن به خواسته های خود به مبارزه ادامه می دهند.

کارگران کارخانه های سبزه

پاک کنی ارومیه

ارومیه- کارگران کارخانه های "سبزه پاک کنی" ارومیه در اجتماع پرشوری که تشکیل دادند، اهمیت شورا های کارگری و ضرورت اتحاد کارگران برای مبارزه با سرمایه داران ضد انقلابی و حل مشکلات کارگران را تشریح کردند.

کارگران دریک قطعنامه ۱۶ ماده ای

خواسته های خود را مطرح کردند. قسمتی از خواسته های کارگران عبارتست از:

پرداخت حقوق دوران اعتصاب

و تعطیل کارخانه ها، افزایش دستمزد،

تقسیم سود کارخانه ها میان کارگران،

ایجاد صندوق کمک به کارگران به منظور

تأمین احتیاجات دوره های اعتصاب و بیکاری و حوادث، برخورداری از حق

مسکن و حق اولاد، جلوگیری از اخراج

کارگران و سپردن اختیار و حق تصمیم

گیری به شورا های منتخب کارگران.

بمناسبت سالروز تولد

لنین، بزرگ آموزگار کارگران و زحمتکشان جهان

بیست و دوم آوریل (دوم اردیبهشت) سالروز تولد ولادیمیر ایلیچ لنین، رهبر اولین انقلاب سوسیالیستی دنیا و آموزگار کبیر کارگران سراسر جهان است. این روز برای همه آنهایی که در پرتو روشنی بخش اندیشه های بشر دوستانه لنین یعنی در راه آزادی واقعی و حاکمیت کارگران و زحمتکشان مبارزه می کنند روز بزرگیست. ۱۰۹ سال پیش در چنین روزی، لنین دز شهر "سیرسک" بدنیای آمدودریک خانواده مترقی و آگاه دوران کودکی پست سرگذشت. در ۱۶ سالگی پدرش درگذشت و بدنبال آن برادر انقلابیش راه جرم شرکت درسو قصد علیه جان تزار تیر باران کردند. در سال ۱۸۸۷ وارد دانشگاه غازان شد و به تحصیل حقوق پرداخت. در آنجا با دانشجویان آگاه آشنا شد و فعالیت انقلابی را آغاز کرد. چهار ماه گذشته بود که زندانگاه اخراج و زندانی شد. پس از مدت کوتاهی از زندان به قریه دور افتاده ای تبعید شد. در تبعیدگاه بنا پشتکار و علاقمندی به مطالعه پرداخت و به نحو قابل ملاحظه ای شناخت اوافز - ایش یافت. پس از پایان تبعید اجازه نداشت در دانشگاه تحصیل کند یا به خارجه برود. طی تماشای که با محافل مارکسیستی داشت، توانست آگاهی مارکسیستی خود را تکمیل کند. او در سن ۱۸ سالگی یک مارکسیست مومن و مبلغ پرشور و فعال سوسیالیزم علمی بود. طی چهار سال و نیم که با خانواده اش در "سامارا" زندگی می کرد، چند زبهار خارجی را آموخت و بخصوص به زبان آلمانی تسلط پیدا کرد و آثاری را از مارکس و انگلس به روسی ترجمه کرد و دست نویس آنها را در اختیار محافل مخفی قرارداد از سال ۱۸۹۳ پی برد که "سامارا" برای فعالیتهاش محیط کوچکی است. از این پس برای شرکت موثر در جنبش کارگری، به پتر بورگ رفت و تلاش خستگی ناپذیری را در راه آموزش و اشاعه سوسیالیسم آغاز نمود. به دلیل قابلیت های گوناگونی که در زمینه آموزش و سازماندهی داشت، مارکسیستهای پتر بورگ و کارگران پشور او را رهبر خود می دانستند. در تابستان سال ۱۸۹۴ کتاب "دوستان مردم کیانند و چگونه علیه سوسیال دمو - کراتهای جنگند" را در مقابل با مشی انحرافی "نارودنیکها" (که نقش طبقه کارگر را در انقلاب نادیده می گرفتند با این گمان که می توان جدا از توده ها بر علیه نظام حاکم مبارزه کرد و پیروز شد) نوشت و راه صحیح مبارزه را به طبقه کارگر و انقلابیون روشن نشان داد. از این پس لنین همراه با مبارزه با پیگیر علیه کج رویهای مختلف ضرورت تشکیل حزب و گسترش محفلهای کارگری را از راه نوشتن مقاله، سخنرانی و بحث دنبال می نمود. و پیش از پیش مورد قبول نیروهای انقلابی و مبارز واقع می گشت.

در بهار سال ۱۸۹۵ به سوئیس رفت تا ضمن برقرار کردن ارتباط با گروه پلخانف (یعنی گروهی که کتبی مارکسیستی را به زبان روسی ترجمه می کرد و مخفیانه به روسیه می فرستاد) با جنبش کارگری اروپای غربی آشنا شود. در ماه سپتامبر همین سال دوباره به پتر بورگ

در سال ۱۹۰۲ اثر داهیانه خود را به نام " چه باید کرد؟ " انتشار داد و این اثر به مثابه عالیترین اثر تئوریک مورد توجه نیروهای مارکسیستی قرار گرفت و توانست ضرورت تشکیل حزب را تشریح - نموده و مرز بین آنهایی را که دانسته یا ندانسته، مبارزه طبقاتی و آگاهانه کارگران



بازگشت و فعالیت خود را در مقیاس وسیع - تری ادامه داد. در همین سال با متحد نمودن محافل پتر بورگ، " اتحاد مبارزه برای رهائی طبقه کارگر " را به وجود آورد. در این جهت، زمینه مساعد تری را برای تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر فراهم ساخت. ولی در ماه سپتامبر، پلیس تزاری به سازمان مزبور یورش برد و لنین و برخی از همزمان او را بازداشت کرد. لنین به دنبال ۱۴ ماه حبس در زندان - پتر بورگ برای مدت سه سال به سیرری تبعید شد. او با عشق بی پایانی که نسبت به توده ها و مبارزه در راه رهائی آنان داشت بخوبی توانست در تبعیدگاه فعالیت انقلابی را از طریق ار سال مقالات و نوشته هایی ادامه دهد. در کرد و بیشتر از ۳۰ اثر نوشت.

ژانویه سال ۱۹۰۵ تبعید لنین تمام شد و منتهای او اجازه اقامت در مراکز مهم صنعتی و کارگرنشین "مثل پتر بورگ" داد. نشد ناچار به سکونت در شهر پتروسکوف - (نزدیکی پتر بورگ) شد. ولی چیزی - نگذشت که به دنبال آگاهی از خطر ترور، به آلمان رفت و روزنامه " ایسکرا " را منتشر نمود.

راه بیراهه وین بست می کشاند، با سوسیال دمکراتهای واقعی مشخص نماید. در همین سال روزنامه " ایسکرا " در معرض خطر یورش پلیس قرار گرفت و لنین به لندن رفت و از آنجا " ایسکرا " را منتشر نمود. در سال ۱۹۰۴ کتاب " یک گام به پیش دوگام به پس " را که حاصل برخورد های متفاوت سوسیال دمو - کراتها با مسئله حزب و ساختمان آن بود، نوشت و صریحا موازین و اصولی را که حزب باید بر آنها استوار باشد در مقابل نکته نظرات منشویکهای سازشکار قرارداد بدنبال تشریح چنین مواضعی نیروهای وسیعی از کارهای اصلی و اعضای حزب و کارگران به پشتیبانی از نظریات لنین برخاستند.

در سال ۱۹۰۵ لنین یکشنبه خونین (نهم ژانویه) را سر آغاز رشد جنبش - انقلابی تشخیص داد و برای اتخاذ تاکتیکهای مناسب، تقاضای تشکیل کنگره حزب را کرد. در آوریل ۱۹۰۵ سومین کنگره حزب سوسیال دموکرات روسیه به رهبری لنین در لندن تشکیل شد و سازماندهی قیام مسلحانه به مثابه میرترین وظیفه حزب شناخته شد. در این کنگره کمیته مرکزی حزب برگزیده شد و لنین در رأس آن قرار گرفت. از این

پس روزنامه " پرولتاریا " به سردبیری لنین ارگان حزب شناخته شد و " ایسکرا " بدست منشویکهای سازشکار افتاد. در همین سال مصوبات کنگره و نقش و اهمیت تاکتیکهای انقلابی را لنین در کتابی به نام (دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب بورژوا دمکراتیک) به رشته تحریر در آورده و در ماه ژوئیه منتشر شد. لنین در این اثر درخشان بروشنی نشان داد که منشویکهای انقلابی - روسیه و وظایف حزب انقلابی پرولتاریا را در انقلاب تشریح نمود و ثابت کرد راه بلشویکها راه انقلابی و راه منشویکها سازشکارانه است.

لنین در موقعیت انقلابی سالهای ۱۹۰۵ همواره بر لزوم قیام مسلحانه تاکید داشت و با تمام تلاش آن را تشریح می نمود و تدارک می دید. اومی گفت: " پس از در گرفتن قیام، باید مصمم و قاطع عمل کرد. نباید حالت دفاعی بخود گرفت، بلکه باید به حمله پرداخت، نباید در چهار چوب تنگی باقی ماند، بلکه باید به گسترش سریع قیام پرداخت."

لنین کبیر پس از شرکت فعال در انقلاب ۱۹۰۵ و تجربه اندوزی، بولاد - آبدیده ای شد که هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ تشکیلاتی بعنوان مجربترین و برجسته ترین شخصیت انقلابی جهان شناخته شد. فعالیتهای صدیقه و بی وقفه لنین در عرصه تئوری و پراتیک انقلابی او را به نمونه یک انسان طراز نوین بدل ساخت که تمام آنهایی که او را می شناسند معتقدند: او خلاقترین تئوریسین، بهترین سازنده، رفوف ترین انسان، قاطع ترین رزمنده و وفادار ترین انقلابی به آرمانهای زندگی ساز طبقه کارگر و زحمتکشان است. او برای بشریت یک آموزگار کبیر است و برای کمونیستهای دنیا یک رهبر بزرگ و افتخار آفرین.

زندگی سازنده و پرافتخار لنین بدنبال سی سال تلاش خستگی ناپذیر انقلابی، سرانجام در روز ۲۱ ژانویه ۱۹۲۴ به پایان رسید. این مرگ زودرس در نتیجه تروری بود که چند سال قبل به دست جنایتکاران صورت گرفت و او را از ناحیه سر مصدوم کرده بود. لنین مرد ولی گنجینه ای از خود رحای گذاشت که تا بد جاودانه است. میراث جاودانه لنین، لنینیسم (یا چراغی است که در سراسر جهان راه مبارزه کارگران و زحمتکشان را روشن می سازد). لنین طی سی سال مبارزه انقلابی در راه آزادی و سعادت کارگران و زحمتکشان جهان، توانست صدها جلد کتاب و هزاران مقاله بنویسد، او از این طریق جمعیتی تجارب اولین انقلاب سوسیالیستی جهان را در اختیار نسل

آینده قرارداد و راه مبارزه کارگران و زحمتکشان را به نحو قابل ملاحظه ای روشن ساخت. آن چیزی که شخصیت لنین را از سایر اشخاص متمایز می سازد، اساسا ژرفای بینش مارکسیستی و خلاقیت او در پیاده کردن مارکسیزم است. لنین مارکسیست کبیری است که با خلاقیت خویش، مارکسیزم را در راه ارتقا طبا تغییرات اقتصادی و اجتماعی جهان تکامل بخشیده است و راه سوسیالیسم را با رهبری پیروز مندانه انقلاب سوسیالیستی اکتبر، هموار ساخته است.

در آن زمان که هنوز هیچ کشور سوسیالیستی، وجود نداشت، لنین می گفت:

" راه ما درست است و این همان راهی است که تمام کشورها یکی پس از دیگری بطور قطع در آن گام خواهند نهاد."

از لنین پیام موزیم

ما به شکل گروه فشرده کوچکی در راهی پر از پرتگاه و دشواری دست یکدیگر را محکم گرفته و به پیش می رویم. دشمنان از هر طرف ما را در محاصره گرفته اند و تقریبا همیشه باید از زیر آتش آنها بگذریم اتحاد ما بنا بر تصمیم آزادانه ما است تصمیمی که همانا برای آن گرفته ایم که با دشمنان پیکار کنیم و در منجلا بجا مانیم. در منطیم که سکنه اش از همین آغاز ما را به علت اینکه بصورت دسته خاصی مجزاشده نه طریق مصالحه بل طریق مبارزه را برگزیده ایم، سرزنش نموده اند و حالا از میان ما بعضی هافرید می کشند به این منجلا برویم. وقتی هم که آنها را سرزنش می کنند به حالت اعتراض می گویند شما عجب مردمان عقوب مانده ای هستید. خجالت نمی کشید که آزادی ما را برای دعوت شما به راه بهتری نفی می کنید؟ آری، آقایان، شما آزادید نه تنها دعوت کنید بلکه هر کجا هم دلتان می خواهد بروید و لو آنکه منجلا باشد. ما معتقدیم که جای حقیقی شما هم همان منجلا است و برای نقل مکان شما به آنجا حاضریم در حد توانائی خود کمک نمائیم ولی در این صورت اقل دست از ما بردارید و به ما نجسید و کلمه یزرگ آزادی را ملوث نکنید زیرا که آخر ما هم "آزادیم" هر کجا می خواهیم برویم و آزادیم نه فقط علیه منجلا بلکه هر کس هم که راه را به سوی منجلا کج می کند، مبارزه نمائیم. "چه باید کرد"



کارگران جهان متحد شوید

درباره لنین شخصیت های مختلفی اظهار نظر کرده اند



عکسی از لنین در سال ۱۹۱۰

لنین عقاب است کوهی، که در مبارزه ترس به خود راه نداده با کمال شجاعت جنبش انقلابی روس را به جلو هدایت کرد. استالین

استالین چنین گفته است: من انقلابی دیگری را نمی شناسم که بتواند منتقدین از خود راضی "هرج و مرج انقلاب" و "اعمال هرزه و خودسرانه توده ها" را بآبای مانی لنین شلاق کش کند. اندرز دائمی لنین این بود که از توده ها بپاموزیم یکی از هم محفل های لنین در خاطراتش نوشته است: "در وجود ایلیچ به نحو شگفت انگیزی سادگی، دقت حساسیت و شادی با متانت، دانش عمیق منطق کوبنده و قضاوت روشن جمع بود." رومن رولان درباره لنین نوشته است: "من هیچگاه بالنین و بلشویسم روسی موافق نبوده ام... ولی درست بدلیل اینکه برای شخصیت های بزرگ ارزش عظیمی قائم، حد اعلا مفتون لنین شده ام. من شخصیتی پرتوان تر از او در اروپای قرن ما نمی شناسم. هیچ گاه تاکنون بشریت حکمرانی برافکاو مردم با چنین بی غرضی مطلق نیافریده است. از لنین: "هرگز در کار از چیز کوچک چشم نیوشید، چون از خرد است که کلان بر می خیزد." "مارکسیزم از آن جهت پرتوان است و عالمگیر که بیانگر حقیقت است و آرزوهای انسانی بشریت را تحقق می بخشد."

"کارگران متفرق هیچ چیز نیستند و کارگران متحد و متشکل همه چیزند." از استالین: "هنگامی که رفیق لنین ما را ترک می کرد به ما وصیت کرد که با تمام قوا اتحاد کارگران و دهقانان را مستحکم سازیم. سوگند یاد می کنیم به تو رفیق لنین که این وصیت تو را هم با شرافت انجام دهیم." استالین به زنان کارگرو زنان دهقان: "رفیق لنین به زحماتشان آموخت که باید از مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه داران داخلی و خارجی پشتیبانی کرد. زنان کارگر و زنان دهقان این وصیت لنین را باخاطر بسپارید و از طبقه کارگر که زندگی نوینی می سازد پشتیبانی کنید." نماینده هندوستان در دفتر خاطرات دومین کنگره کمینترن نوشته است: "لنین شریفترین نماینده بشریت است." براون "Brown" اسقف امریکایی نیز چنین اظهار داشته است: "میلیونها مردمی که علاقه به سوسیالیزم ندارند، عمیقاً مفتون لنین شده اند. به نظر من او بزرگترین تمام انسانهایی بوده است که تاکنون زیسته اند."

مایاکوفسکی

بخشی از شعر

لنین

بر فراز جنگل جهانی دودکش کارخانه ها "میدان سرخ" عظیم (۱)

همچون پرچم غول آسائی

که میلیونهادست چوبه آن رامی فشارد

باشکوه تمام در آسمان موج می زند و در اهتزاز است،

و از این پرچم

از لابلای هر چین و شکن آن

لنین

زنده همچون همیشه

فریاد می زند:

"کارگران

برای نبرد نهائی آماده شوید.

برندگان

زنان و کمربند را راست کنید.

ارتش پرولتاریا

با همه نیروی خود به پا خیزید.

زنده باد انقلاب

بزرگترین و منصفانه ترین همه جنگ ها

در سرتاریخ

۱- آرامگاه لنین در "میدان سرخ" مسکو قرار دارد

اخبار خارجی

تفسیری بر اخبارهای پی در پی کارگران صنایع فولاد

اعتراض و اعتصاب زده اند. نقطه اوج این اعتراضات، راهپیمایی صدها هزار نفری کارگران بوده که حمله پلیس و درگیری و زد و خورد کشیده شد و در پایان چندین زخمی بجا گذاشت. دولت فرانسه که از حرکت سرمایه داران کارگران و روشنفکران به وحشت افتاده یکبار دیگر برای حفظ منافع سرمایه داران مقدمات شدیدی برای جلوگیری از به اصطلاح "آشوب" وضع کرد. بنابراین مقررات ضد دمکراتیک که با اعتراض شدید سندیکاهای کارگران، روشنفکران و سازمانها و احزاب مترقی فرانسه روبرو شده است، تظاهرات شدت محدود است.

اعتصاب خدمه کشتی در فرانسه

کارگران کشتی های باری و مسافر - بری فرانسه به منظور اعتراض به اخراج کارگران و کارکنان به مدت ۴۸ ساعت دست به اعتصاب زدند. کارگران همچنین خواستهای دیگری در زمینه سن بازنشستگی و کار جوانان مطرح کردند

اطلاعه درباره چاپ و انتشار آثار کتب

بعد، زیرا آن اظهار نظر در شرایطی صورت گرفته که ارتباط لازم با زندان و اطلاعات کاملتر وجود نداشته است. به عنوان مثال اظهار نظر در مورد رفیق عبدالله اندوری در کتاب خاطرات یک رفیق شهید پوران بدالهی در کتاب یادنامه شهدا در سال ۵۱ و در مورد رفیق ابراهیم دل افسرده در کتاب های تحول و تکامل سازمانهای پیشتاز و پیشا - هنگ و کتاب ۹ چریک از آن جمله اند. برای برطرف شدن سوء تفاهم ها در صورت مراجعه به ستاد سازمان توضیحات کافی داده خواهد شد. ۳- در آینده آثار و کتب سازمان با شکل و فرم مخصوص زیر چاپ و منتشر خواهد شد. بنابراین آثار و کتبی که به اینصورت چاپ نشود از طرف سازمان و مورد تأیید سازمان نخواهد بود.

بدنیال مراجعه مکرر برخی از دوستان و خانواده های شهدا در رابطه با مطالب برخی آثار و کتب منتشره به نام سازمان چریکهای فدائی خلق، لازم می دانیم برای روشن شدن افکار عمومی با اطلاع برسانیم که:

۱- کتابهایی که قبلاً به نام این سازمان منتشر شده اکثر از طرف هواداران و یاناشین مختلف بوده که بدون توجه به نظرات و مواضع این سازمان اقدام به چاپ آثار کرده اند. در برخی موارد هم صرفاً برای سود جوئی از نام سازمان اینکار صورت گرفته است. از آنجاییکه این کتابها قبل از چاپ مورد بررسی و بازبینی سازمان قرار نگرفته، بنابراین می توانست حاوی مطالبی باشد که مورد تأیید سازمان نیست.

۲- در برخی از آثار سازمان اظهار نظرهایی در مورد عده ای از رفقا و خانوادها ایشان وجود دارد که در حال حاضر نمیتواند تمام آنها مورد تأیید سازمان

نقدی بر...
از انتشارات سازمان چریکهای فدائی خلق بهاء... ریال

اعتصاب رانندگان کامیون آمریکا
آمریکا - در هفته گذشته رانندگان کامیون در آمریکا بخاطر افزایش دستمزد دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب شش روز طول کشید و به بخشهایی از اقتصاد آمریکا مخصوصاً صنایع اتومبیل سازی لطمه زد. طی مذاکراتی که بین سندیکای رانندگان کامیونها و کارفرمایان انجام گرفت، دستمزد ها به میزان ۷٪ افزایش و اعتصاب با موفقیت پایان یافت.

اعتصابهای گسترده اقتصاد ایرلند رافلج کرده است
ایرلند - دو بلین - اعتصابهایی که از دو ماه پیش در پست و تلگراف و تلفن در جمهوری ایرلند، آغاز شده هنوز ادامه دارد. در نتیجه این اعتصابها مکاتبات کاملاً قطع شده و خدمات تلفنی نیز به حداقل رسیده است. از طرف دیگر، اعتصاب در موسسات عمومی حمل و نقل و همچنین اعتصاب باراندازهای بندر دوبلین، اختلالهای شدیدی بوجود آورده که خطر کمبود نفت و فلج شدن کامل صنایع را بدنبال دارد.

کارگران و کارکنان اعتصابی بطور عمده خواستار افزایش دستمزدها هستند.

نخست وزیر ایرلند طی پیامی از سندیکا ها خواست که به دولت فرصت کافی برای رسیدگی به مطالبات بدهند. ولی پیشنهاد نخست وزیر از طرف سندیکاهای کارگری رد شده است.

حقایق درباره حوادث گنبد

بقیه از صفحه ۱

طبایطی استنادار مازندران (کیهان، هشت فروردین) :

ما عقیده داریم که عوامل ساواک و برخی متنفذان واحتمالاً زمینداران بزرگ به این ماجراها دامن می زنند از جمله اطلاعات رسیده حاکی است که وزیر یزدانی و ابولفتح آتابای از وابستگان نزدیک به دربار شاه سابق در منطقه دیده شده و عوامل آنها مترصد دخالت در مسائل جاری مردم بوده اند

آیت اله طالقانی (کیهان، اول اردیبهشت) :

"ربودن فرزندانم در روز روشن ... برای من نگرانی آورده و احساس کردم همان کبریت هائی که در سندیج منشاء اشتعال شد و در گنبد، از اینجا این برنامه ها شروع شده ..."

در بین پاسدارها و کمیته ها اشخاص غیر مسئول خصوصاً در این چند هفته اخیر خودشان هم اعتراف دارند رخنه کرده کارهائی انجام دادند ... ما دیدیم در قضیه گنبد یک عده ای با اخلاص وعده ای هم افراد مشکوک (به آنجا رفتند) عده ای، جوانهائی کشته شدند در آنجا و بعد که برگشتند معلوم شد از بعضی کمیته هائی بوده که فرعی و غیرمسئول بودند ..."

از تلگرام مردم بندر ترکمن به امام (اطلاعات، ۲۲ فروردین) :

با کمال تأسف و تأثر کشتار بی رحمانه ای در منطقه گنبد کاووس به تحریک و خرابکاری عوامل ضدانقلابی که در کمیته انقلاب اسلامی به نام پاسدار آمده اند و در اثر خطای نابخردانه آنها در قبال خواسته های برحق خلق ترکمن آغاز شد که منجر به قتل و جرح عده ای از افراد بیگناه ترکمن گردیده و هنوز هم با قساوت و شقاوت تنفر آمیز ادامه دارد. قاطبیه مردم بندر ترکمن ضمن ابراز تنفر از وقوع چنین اعمال نابخردانه و موزورانه که از ناحیه عده ای بنام اعضاء کمیته اسلامی گنبد کاووس بر علیه خلق ترکمن صورت گرفته تقاضای ناثیم هر چه زودتر ضمن مجازات مسببین اقدام لازم درباره رفع این برادر کشتی مبدول داشته. نسبت به تأمین خواسته های برحق خلق ترکمن اقدام مقتضی معمول دارند.

از تلگرام گروهی از روحانیون و معتمدان ترکمن به نخست وزیر و آیت الله طالقانی (آیندگان، ۱۴ فروردین)

احتراماً اطلاع دارند دولت در اثر سمپاشی ماهرانه حجت الاسلام "امید" و تبلیغات و تحریکات عمال ساواک و دسیسه غاصبین رژیم طاغوتی که خود را در قالب انقلابیون جلوه می دهند سبب شده پاسداران و سربازان ارتش رابه جان مردم مسلمان زجر کشیده ترکمن در گنبد کاووس س بیدارند که بی رحمانه به کشت و کشتار مشغول می باشند ... آیا نتیجه و جواب خواسته های مشروع مردم مسلمان ستم دیده ترکمن از ترمه انقلاب اسلامی همین برادر کشتی با گلوله است ؟ آقای نخست وزیر (رژیم استبداد و جبار زمینهای مارا با زور و شکنجه گرفته بود، نه اینطور با فرستادن فانتوم و کشت و کشتار جابرانه. آیا مفهوم آزادی در زیر پرچم انقلاب اسلامی اینگونه خونریزی خواهد بود ؟ لذا استرحاماً استدعا داریم انصاف کرده - عاجلاً پاسداران و سربازان خود را فراخوانده جلوی این برادر کشتی را بگیرند.

حضرت مولوی عبدالعزیز - پیشوای مذهبی برادران اهل تسنن - سیستان و بلوچستان - رهبر حزب اتحاد المسلمین (کیهان، ۱۵ فروردین)

تحقیقات ما (هیئت همراه ایشان) نشان می دهد که شروع این درگیریها به سبب تحریکات ساواکیها و بعضی افراد بی تجربه کمیته شهرستان گنبد آغاز شده است و موضوع نیز به مردم اینگونه تفهیم شده است که این خاصه دعوی شیعه و ثنی است ... برادران ترکمن باید کاملاً بیدار و هشیار باشند که گول اجانب و یادی استعمار گرما جراجوآن گروه از فتوآلهای سابق را که منافعشان به خطر افتاده است نخورند.

حبیب الله خشنودی ساوکلای، فرماندار جدید گنبد (پس از برکناری فرماندار قبلی) (پیغام امروز، ۱۸ فروردین) :

جنگ در ترکمن صحراً تحمیلی و قابل اجتناب بود. تضاد موجود در کمیته ها کارها را دشوارتر می نمود.

کوروش کاکوان، عضو کمیسیون حقوق بشر (پیغام امروز، ۱۹ فروردین)

در گرگان خیابانها نهد دست کمیته ها بود و مردم احساساتی و تحریک شده برای سرکوبی "اشار" راه افتاده بودند ... برای جلوگیری از فجاج دست به دامان آیت الله زنجانی شدیم - او که مردی روحانی و

وارسته است گفت :

"به حرف من کسی گوش نمی دهد ..."

بالاخره در منطقه ترکمن نشین به سراغ هیئت اعزامی دولت رفتیم و بارسولی رئیس هیئت گفتگوهای موثری داشتیم. رسولی می گفت :

"من فقط وقتی که پیش ترکمن ها هستم احساس ایمنی می کنم و نگرانی من اینست که وقتی پیش ترکمن ها هستم از پشت به من شلیک شود ..."

تیم های ساواک که به همراه پاسداران به خط دفاعی ترکمن ها حمله می کردند وقتی پاسدارهای نا آشنا به موقعیت از شهرهای مختلف می آمدند جلوتر می رفتند، ساواکیها آنها را به گلوله می بستند. کسانی که از پشت تیر خوردند کم نیستند. من یک ساواکی زادیدم که به "یوزی" مسلح بود و در کمیته فعالیت داشت. او که "فتح الله دارایی" نام دارد از دستیاران "عضدی" شکنجه گر معروف است. وقتی با مسئولان کمیته موضوع را مطرح کردند گفتند آشنا و قابل اعتماد است. اما استاندار متعجب شد و گفت قضیه را دنبال می کند.

از آنجاکه موج تبلیغات شدید ضد چریکهای فدائی خلق بصورتیهای بسیار کثیف و بی شرمانه در آمدنها اطمینان و قاطعیت اعلام میداریم که چریکهای فدائی خلق هیچگونه دخالت جنگی نداشتند. تنها یک گروه پزکی از طرف فدائیان خلق به باری ترکمنها فرستاده شد که این اقدام انسانی در آن شرایط دشوار شایان هرگونه ستایشی است. حمله به سازمان چریکهای فدائی خلق توسط دشمنان انقلاب به منظور انحراف توجه مردم ایران از خواسته های برحق خلق ترکمن و به قصد سرپوش گذاشتن به روی علل واقعی فجاج گنبد و ترکمن صحرا صورت می گیرد که متأسفانه توسط عده ای از هموطنان باحسب نیت ولی ناآگاه ما دامن زده می شود.

چنانچه عاملین حقیقی وقایع به دقت شناسائی و با قاطعیت سرکوب نشوند صورت ریشه های سرطانی بازماندگان رژیم سابق و عوامل ارتجاع انقلاب و حتی موجودیت ملی ما را به مخاطره خواهند افکند.

منصور گرگانی، نماینده دولت در مورد رسیدگی به اوضاع گنبد (پیغام امروز، ۱۹ فروردین) :

جنگ قابل اجتناب بود و اگر اشتباهات کمیته اسلامی نبود هیچگاه این همه خونریزی نمی شد. هیچ مدرکی هم در مورد دخالت چریکهای فدائی در جنگ گنبد وجود ندارد مگر اینکه عده ای از زمیندگان ترکمن هوادار سازمان چریکهای فدائی بودند همانطور که عده ای از زمیندگان ترکمن می توانند مثلاً هوادار جبهه ملی باشند و یا اصولاً هوادار هیچ سازمانی نباشند.

از گزارش مشترک هیئت اعزامی کمیسیون حقوق بشر، جمعیت حقوقدانان ایران و کانون وکلای دادگستری (آیندگان، ۱۹ فروردین) :

هیئت اعزامی علل و انگیزه های ذیل را عامل اصلی بروز حوادث گنبد تشخیص و به شرح ذیل اعلام مینماید.

- ۱- تحریک و دامن زدن به اختلافات ترکمن ها و ترتیب تظاهرات به طرفداری از قانون اساسی به وسیله روحانی نمایان مرتجع اهل سنت از جمله "آناقلیج" آخوند نقشبندی و وابستگان وی.
- ۲- تشکیل یک جانبه اعضاء کمیته بدون حضور ترکمن ها و مرکب از برخی افراد ناصالح.
- ۳- نفوذ عوامل مزدور رژیم سابق و زمینداران بزرگ و فرصت طلبان در کمیته امام.
- ۴- انتصاب آقای مادر شاهی به سمت فرماندار گنبد که برای احراز این سمت از صلاحیت لازم برخوردار نبوده است.
- ۵- بی تجربگی و ناآگاهی پاسداران انقلاب و دامن زدن به خونریزی با حمله به منازل ترکمن ها، کشتار و گروگان گرفتن آنها.
- ۶- وجود عوامل ساواک و بقایا و وابستگان رژیم منحط سابق در بین پاسداران انقلاب و نقش مکرر آتش بس از طرف آنها و تحریک طرفین درگیر به ادامه تیراندازی.
- ۷- قضاوت و بررسی غرض آلود به وسیله هیئت اعزامی نخستین.

ولی محمد ارزانش - از روحانیون ترکمن (پیغام امروز - ۲۰ فروردین)

وقتی "کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن" بوجود آمده ای از روحانیون مرتجع ترکمن که همیشه عامل سرمایه دازان بوده اند اعلامیه های منتشر کردند که در واقع این کانون را تکفیر نمودند. در صدر آنها حاج آناقلیج نقشبندی می باشد. زمینداران بزرگ مبارزه خود را با این کانون از طریق این آخوندهای مرتجع انجام می دادند و شایع کردند که این خلق ترکمن نیست که مبارزه می کند بلکه عده ای کمونیست میباشند هدف اینها خفه کردن مردم از طریق مذهب بود که موفق نشدند ... جنگ به تحریک زمینداران بزرگ و کمیته اسلامی گنبد شروع شد و علت آن هم -

بررسی شناختن ...

بقیه از صفحه ۲

بایدول خارجی، پول و پرچم، قوانین اساسی و مصوبات مجلس شورای ملی همه خلقهای ایران تابع دولت مرکزی و تشکیلات سراسری خواهند بود. هم اکنون خواسته های خلق کرد و ترکمن و ... که توسط خود آنها مطرح گردید چیزی جز رفع ستم ملی و حق تعیین سرنوشت نیست.

طرح هشت ماده ای خلق کرد کم و بیش از جانب خلقهای ترکمن هم بیان گردیده متضمن مسائل زیر است :

رفع ستم ملی و تأمین حق تعیین سرنوشت خود بصورت "فدراتیو" در چهار چوب کشور ایران، رد اتهام تجزیه طلبی، رفع ستم اقتصادی یعنی از بین بردن تمام موانعی که مانع رشد و پیشرفت اقتصادی است، اداره پارلمانها تحت نظر شورای انقلابی، ایجاد یک کمیته مشترک نظامی از افسیران سپه پرست و نمایندگان شوراهای انقلابی و تبدیل ارتش ارتجاعی به ارتش خلقی در اینجا می بینیم که خواسته های خلق کرد و سایر خلقها حق خود مختار یا "فدراٹیو" در چهار چوب کشور ایران است و صرفاً هرنوع اتهام تجزیه طلبی را که دشمنان انقلاب و عوامل امپریالیزم شایع می کنند رد کرده اند. سازمان از این خواسته های به حق کاملاً پشتیبانی می کند.

خلاصه کنیم :
حقانیت حقوق ملی خلقها ما را بر آن میهدارد که از حقوق ملی و دمکراتیک آنها دفاع کنیم. بنظر ما هرنوع پوششی که برای نادیده گرفتن این حقوق به عمل می آید گامی در جهت ادامه ستم ملی به خلقها بوده و ما این کوششها را محکوم می کنیم.
ایجاد ایرانی آزاد و دمکراتیک بدون تأمین حقوق ملی و دمکراتیک خلقهای ایران میسر نخواهد بود.

* * *

مقابله با خواست های خلق ترکمن بود.

جبهه دمکراتیک ملی ایران - (پیغام امروز

۲۱ فروردین) :

این روزها ما شاهد حوادث گوناگون و تأسف باری هستیم. مردم ترکمن به تحریک عوامل رژیم پیشین و بدست برادران مسلمان خود یعنی پاسداران به قتل می رسند و خانواده ها بی خانمان می شوند. رادیو و تلویزیون به حوی آگاهانه و غلنی، بی هیچ خجالت و پرده پوشی، به برادر کشتی ها دامن می زند و سازمان های انقلابی را مسئول معرفی می کند، در حالیکه نمایندگان کمیسیون حقوق بشر کانون وکلا و جمعیت حقوق دانان پس از مشاهده صحنه ها از نزدیک این قضاوت را کاملاً مردود دانسته اند ...

ما با صدای بلند اعلام خطر می کنیم که ادامه فعالیت های خودسرانه برخی از کمیته ها، ایراد اتهام های ناروا به سازمان های انقلابی، تشکیل اجتماعاتی که به روح دمکراسی اعتقاد ندارند، ادامه وضع رادیو و تلویزیون در ایجاد آشوب و هرج و مرج، بی خبر نگاه داشتن مردم از وقایع کشور و بالاخره، از همه مهمتر، بی توجهی به حقوق و خواسته های حقه کارگران و واگذار کردن حل مشکل آنها به کمیته ها این جامعه را دچار چنان آشوبی خواهد کرد که علیرغم پیروزی بزرگ در فرزندم، رژیمی به مراتب مستبدتر از رژیم سابق را بر کشور حکمفرما خواهد ساخت. با ادامه چنین وضعی این کشور روی آزادی و دمکراسی را نخواهد دید و اداره آن به دست کسانی خواهد افتاد که اسلحه بدست گرفته و در تعقیب مخالفین فکری خویشند ...

آموزشی

درباره حزب طبقه کارگر

(۲)

در شماره قبل چگونگی استثمار کارگران را توسط سرمایه داران و ناگزیر بودن مبارزه بین این دو طبقه استثمار شونده و استثمار گر را توضیح دادیم و نشان دادیم که طبقه کارگر نمی تواند تغییر اساسی در زندگی خود به وجود بیاورد و نمی تواند خود را از شر تمام بدبختی ها نجات دهد، مگر آنکه سرمایه تمام بدبختی ها یعنی مناسبات سرمایه داری را تغییر دهد. مناسبات مالکیت خصوصی بر وسائل تولید را لغو کند و مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید یعنی مالکیت تمام زحمتکشان بر وسائل تولید را جایگزین مالکیت خصوصی بر وسائل تولید کند. و بازم نشان دادیم که برای انجام چنین امر مهمی کارگران مجبورند، تشکیلات سیاسی مستقل خود یعنی حزب طبقه کارگر را بوجود بیاورند. در این شماره می خواهیم درباره خصوصیات حزب طبقه کارگر بیشتر صحبت کنیم و توضیح بدهیم که چرا بوجود آمدن تشکیلات مستقل سیاسی پرولتاریا (حزب طبقه کارگر)، نقطه عطفی بنیادی در تاریخ جهان است.

از زمانیکه طبقات (یعنی استثمار گر و استثمار شونده) بوجود آمد، مبارزه بین استثمار شندگان و استثمار کنندگان هم آغاز شد. در طول تاریخ همواره استثمار شندگان علیه استثمار کنندگان مبارزه کرده اند. ولی این مبارزات تا قبل از پیدایش طبقه کارگر نتوانست استثمارشان را از بند استثمار برهاند. مادر تاریخ بیاد داریم که چگونه برده ها شورش کردند و باعث بروز جنگهای داخلی شدند. ولی آنها نتوانستند تشکیلات سیاسی به وجود آورند که مبارزه آنها را رهبری کند و قادر نبودند که هدفهای خود را به روشنی تشخیص دهند و بنابراین حتی در انقلاب بی ترین لحظات هم، همیشه آلت دست طبقات استثمارگر بودند. بزرگترین قیام برده ها که در کشور روم و بهر هر کسی شخصی به نام اسپارتاکوس به وقوع پیوست، فقط توانست یک سازمان نظامی ایجاد کند که این سازمان نظامی هم بعد از آنکه سرکوب شد، از هم پاشید برده ها اگر هم در نقاطی به پیروزی می رسیدند، ارتباطشان با سایر نقاط بقیه برده ها قطع می شد و توسط نیروهای نظامی، برده داران سرکوب و تار و مار می شدند.

مبارزات دهقانان (رعیت ها) و جنگهای دهقانی گرچه نسبت به شورش های برده ها در مرحله بالاتری قرار داشت ولی باز هم دهقانان نتوانستند تشکیلات سیاسی خود را به وجود بیاورند. اقدامات انقلابی و همزمان توده های دهقانی، منجر به ایجاد

سازمانهای شورشی مختلف شده که محدود به مناطق طفیان بود و تشکیلات سیاسی-بیار نیارود. این سازمانهای شورشی فقط جنبه نظامی داشت و به یک منطقه خاص و زمان خاص محدود می شد. برکنندگی سازمان هادر سرزمین-های وسیع، علوم ارتباط بین آنها فقدان تئوری انقلابی بعلت سطح پائین تکامل تکنیک و علم و فرهنگ جامعه این امکان را به دهقانان (و بطریق اولی به بزردها)، نمیداد که اولاً - هدفهای خود را بطور روشن تشخیص دهند و ثانیاً مشکل شوند و تشکیلات سیاسی بوجود آورند و ثالثاً تمام افراد یک طبقه در سرتاسر یک مملکت متحد شوند. آنان در لحظه های بحرانی که زندگی شان دیگر غیر قابل تحمل می شد، دست به شورش می زدند که معمولاً این شورش ها در یک منطقه محدود می ماند و به سایر نقاط سرایت نمی کرد و از رهبری آگاهانه و تشکیلات محکم بی بهره بود. در نتیجه تنها و منفرد می ماند و سرکوب می شد.

رشد سرمایه داری و به وجود آمدن طبقه کارگر، تغییرات اساسی به همراه داشت. از یک طرف با پیشرفت علم و تکنیک و فرهنگ، زمینه تدوین تئوری انقلابی مهیا شد. از طرف دیگر با ایجاد کارخانه ها تعداد زیادی از کارگران در زیر یک سقف جمع شدند. با گسترش راهها و توسعه تجارت و مبادله، مناطق مختلف به هم متصل شدند و ارتباط سراسری کارگران ممکن شد. بدین ترتیب که طبقه کارگر بصورت یک نیروی مستقل، سیاسی درآمد که قادر بود از طریق مبارزاتش در پیشاپیش توده های زحمتکش روابط اجتماعی را بطور اساسی دگرگون کند. با تدوین تئوری انقلابی و تشکیل حزب طبقه کارگر مبارزات رهائی بخش توده های زحمتکش دستخوش تغییر بنیادی شد. پرولتاریا گروههای مختلف توده های زحمتکش و روشنفکران پیشرو را بطرف خود کشید. طبقه کارگر در دهقانان در جریان مبارزه متحد شدند. شرایطی ایجاد شد که مبارزه همه شتمدیدگان به رهبری طبقه کارگر و حزب سیاسی آن، می توانست پیش برود و موفق به محو و نابودی استثمار و ستم شود. شرایط تاریخی ای آغاز شد که جنبش شتمدیدگان به رهبری طبقه کارگر و حزب سیاسی آن می توانست دیگر دنباله رو طبقات

استثمار گرنیاشد. مارکس در این باره می گوید: "جنبش هائی که تاکنون وجود داشته یا جنبش قلیتها بود یا بسودا قلیت ها انجام گرفته است. جنبش آگاه پرولتاریا، جنبش مستقل اکثریتی عظیم است که بسود اکثریت انجام می پذیرد"

خصوصیات حزب طبقه کارگر همان خصوصیات انقلابی طبقه کارگر است هدف نهائی این حزب، نابودی استثمار انسان از انسان است. چراکه طبقه کارگر نمی تواند خود را از بند استثمار برهاند مگر اینکه استثمار را بطور کلی محو و نابود سازد. در آینده درباره خصوصیات حزب طبقه کارگر بیشتر سخن خواهیم گفت.

کارگران به برکت تجمع خود در کارخانه ها و ارتباط سرتاسری شان توانستند مشکل شوند و با نفوذ تئوری انقلابی در میان کارگران، جنبش آگاهانه کارگری بوجود آمد. کارگران توانستند خواستهای و هدفهای خود را تشخیص دهند و تشکیلات سیاسی مستقل و خاص خود و اتحادیه ها و سندیکا های کارگری را ایجاد کنند. در یک کلام صف مستقل و مشکل خود را تشکیل دهند. لنین رهبر کبیر - آموزگار کارگران جهان درباره تکامل تاریخی تشکیلات سیاسی طبقات استثمار شونده می گوید "تنها در نظام سرمایه داری بود که در سایه فرهنگ شهری، طبقه پرولتاریا محور م توانست خود آگاهی پیدا کند و جنبش جهانی طبقه کارگر را به وجود آورد. میلیونها نفر کارگر در احزاب سیاسی یعنی در احزاب سوسیالیستی که هشیارانه، مبارزه توده ها را رهبری می کنند." گرچه بورژوازی فقط برای کسب سود بیشتر و استثمار بیشتر کارگران بود که به ترقی علم و تکنیک و ایجاد کارخانه ها و گسترش راهها و غره اهمیت می داد، ولی همین امر موجب گسترش طبقه کارگر و رشد زمینه های سرنگونی بورژوازی شد. بعبارت دیگر بورژوازی گورکن خود را به دست خود به وجود آورد.

پیروزی های عظیمی که میر دم زحمتکش در عصر حاضر به دست آورد و اندر دوره ایست که طبقه کارگر نیرو های خود را تقویت کرده، از وجود خود بعنوان یک طبقه آگاهی پیدا کرده و تشکیلات سیاسی خود را ایجاد کرده است. تشکیلات سیاسی ای که توانائی و کفایت آنرا دارد که در مبارزات توده ای رهبری آگاهانه ای بعهده بگیرد.

ارتش ملی! با ارتش شاهنشاهی چه فرقی کرده

سندزیرپاسخ روشنی به سؤال بالاست و احتیاج به تفسیر ندارد. متن این بخشنامه برخورد فرماندهان ارتش "بازسازی شده" را نسبت به شورا های انتخابی افسران و سربازان نشان میدهد. این شوراها نهاد های دمکراتیکی هستند که میتوانند ستاورد انقلاب مردم در ارتش باشند. اما بطوریکه می بینیم وجود آنها با روحیه فرماندهان ارتش ملی سازگار نیست!

از: مرکز پشتیبانی لجستیکی تهران (پرسنلی)

به: کلیه یگانهای تابعه

درباره: اساسنامه

بدینوسیله تعداد ۴ برگ فتوکپی اساسنامه شورا بییوست فرستاده میشود با نگرش به اساسنامه مزبور از تاریخ صد و نهم نامه هیچ شورائی در یگانها و دوایر تابعه تشکیل نخواهد شد و مسئولیت هر یگان بعهده فرمانده آن یگان که تعیین شده است خواهد بود، در صورتیکه یگان یا دوایری فرمانده یا رئیس تعیین نشده است ارشدترین افسران قسمت مسئولیت آن یگان را بعهده خواهد داشت. دستور فرمائید اساسنامه و متن این نامه را به کلیه پرسنل آن یگان ابلاغ و بموقع کار بایسته انجام گردان.

فرمانده مرکز پشتیبانی لجستیکی تهران - سرهنگ المانی

اعتصاب غذای بازداشت شدگان ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

آبادان - در پی حمله گروهی مسلح از مرتجعین و مزدوران سرمایه داران وابسته به ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق در آبادان و دستگیری چند تن از هواداران و غارت اموال و ائاشبه ستاد، اعلامیه ای از طرف بازداشت شدگان بدین شرح داده شده است:

ما، گروهی از بازداشت شدگان در یادگان خسرو آباد از ساعت ۳ بعد از ظهر اول اردیبهشت ماه، اعتصاب غذای خود را به اعتصاب غذای خشک تبدیل می کنیم و تا انجام خواستهای خود به اعتصاب ادامه خواهیم داد.

۱- آزادی کلیه رفقای دستگیر شده بدون قید و شرط، توضیح اینکه قبل از آزادی ما باید بایکی از رفقای دستگیر شده در محل دیگری که در بازداشت هستیم از صفا ۱ بقیه از صفا ۱

۲- آزادی کلیه رفقای دستگیر شده در بازداشت شدگان ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - آبادان ۵۸/۲/۱

آزادی در خطر...

فجایعی که هر روز خود در سبهای این مرتجعین بیار خواهد آورد و روز مینهای برای تبلیغات بی شرمانه آنها فراهم خواهد ساخت. حمله بدد فاطر سیاسی سازمانهای سیاسی بار دیگر به وضوح نشان داد که فضای حاکم بر کشور مان مورد تهدید عناصر مشکوک و نا آگاه قرار گرفته است. ما سؤال می کنیم: حمله مسلحانه به تظاهرات آرام مردم، به گلوله بستن تحصن کارگران، نبودن آزادی بیان و اجتماع و اهانت به مبارزین... آیا این آزادی است معنی آزادی؟ از خلق ستم دیده بران که هنوز سایه شوم دیکتاتور ی میهنمان بر سر ستمشول این همه فحایح چه کسانی هستند؟

اول ماه مه را هر چه باشکوهتر برگزار کنیم